

راهنماک سرمایه‌گذاری

سال هفتم / شماره ۷۲ / دی ۱۴۰۱
قیمت: ۶۹ هزار تومان

ماهنامه اجتماعی اقتصادی

با چقدر پول ثروتمند به شمار می‌آییم؟

- نقش دانش و اطلاعات در سرمایه‌گذاری‌ها
- ۷ بازی برای آموزش پس‌انداز به خردسالان
- آموزه‌هایی که استیون هاوکنگ به بشریت آموخت





آنچه افراد را به موفقیت مالی می‌رساند، آگاهی، دانش و مجموعه‌ای از مهارت‌های مالی است.



شروع فعالیت از سال ۱۳۹۶



آموزش و فرهنگ سازی در زمینه سواد مالی

خواندنی‌های علف خرس



قلک

سواد مالی کودکان؛ آموزش و تربیت مالی کودکان



ورود آقایان ممنوع

سواد مالی زنان؛ آموزش مهارت‌های موفقیت مالی و توانمندسازی



باشگاه موفقیت

روانشناسی موفقیت مالی و آشنایی با عادات ثروت ساز

دو دوتا چهارتای زندگی

آموزش مهارت‌های مدیریت مالی شخص بودجه‌بندی و مدیریت هزینه‌ها، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، مدیریت بدهی، برنامه ریزی برای بازنشستگی

پشت پرده خرید

روانشناسی خرید و تکنیک‌های خرید هوشمندانه

دانستی‌ها

خواندنی‌های جذاب مالی با چاشنی آموزش



ارتقای سطح سواد و دانش مالی افراد جهت:

۳ در نتیجه رسیدن به موفقیت و رفاه مالی

۲ مدیریت بهتر پول

۱ برنامه‌ریزی و گرفتن تصمیمات مالی موثر



ثبت نام در سایت

عضویت ویژه



www.alafkhers.com

شبکه‌های اجتماعی



نشریه راهنمای سرمایه‌گذاری



از کجا شروع کنم؟

NO.72

راهنمای سرمایه‌گذاری

ماهنامه اجتماعی اقتصادی



عَلْفَکَرَس

a l a f k e r s

ماهنامه راهنمای سرمایه‌گذاری

دی ۱۴۰۱ / سال هفتم / شماره ۷۲

مدیر هنری: سمیرا هژبری
ویراستار: فاطمه هدیه‌لو
هیئت تحریریه: فاطمه هدیه‌لو
محمد سجاد علی مددی

صاحب امتیاز: موسسه غیر تجاری راهنمای اندیشه
هدفمند با شماره ثبت ۴۹۲۶۵ (موسسه فرهنگی دیجیتال)
مدیر مسئول: سید محمدباقر غروی نخجوانی
سر دبیر: ملیحه خیر خواه

■ قلمک

۶.....
۷ بازی برای آموزش پس‌انداز به خردسالان.....
۸.....
۹ روش سرگرم‌کننده برای آموزش مرفه‌جویی پول به کودکان.....

■ ورود آقایان ممنوع

۱۲.....
تعریف شما زنان از موفقیت مالی چیست؟

■ باشگاه موفقیت

۱۴.....
با چقدر پول ثروتمند به‌شمار می‌آییم؟

■ پشت‌پرده خرید

۱۸.....
تعمیر یا تعویض؟ مسئله این است.....

سرمایه‌گذاری



www.alafkhers.com

نشانی: سعادت آباد، بلوار پیام، میدان بهرود، خیابان عابدی، پلاک ۳- واحد ۳ تلفن: ۲۲۱۱۲۴۶۳

چاپ: نشر یزدا

کیلومتر جاده قدیم تهران کرج، سه راه شهریار، باغستان، ابتدای سعیدآباد، شهرک صنعتی گلگون،
خیابان پنجم جنوبی، پلاک ۳۵



■ دودوتا چهارتای زندگی

۲۲..... نقش دانش و اطلاعات در سرمایه‌گذاری‌ها.
۲۶..... برایان تریسی درباره پس‌انداز و دستیابی به استقلال مالی چه می‌گوید؟

■ دانستنی‌های مالی

۳۰..... خرابکاری هنری دونا که باعث شهرت جهانی شهرش شد.

■ ۳۶۰ درجه مالی

۳۲..... آموزه‌هایی که استیون هاوکینگ به بشریت آموخت.

■ دیدنی‌ها

۳۴..... کمیک و کارتون
۳۴..... چهار قانون ساده برای مدیریت پول



۷ بازی برای آموزش پس انداز به خردسالان

کودکان، خصوصاً خردسالان، با روش‌های زیبای خلاقانه، به راحتی جذب روند پس انداز و دستیابی به پول می‌شوند. برخی از کودکان، ذاتاً ارتباط خوبی با پول دارند؛ حتی در زمانی که خیلی کوچک‌اند. کودکان به اندازه کافی برای درک کامل ماهیت پول رشد نکرده‌اند، با این وجود، با اجرای چندین روش مفرح پس انداز با هدف افزایش پولش، می‌توان به آن‌ها آموزش داد.

فرزندان، به صورت اتفاقی مقداری پول در کیفشان می‌یابند با تمام وجود کیف کرده، و بسیار هیجان‌زده می‌شوند؛ به همین دلیل به شدت به انجام این کار علاقه‌مند می‌شوند. قایم کردن پول را امتحان کنید.

۳ صندوقچه گنج

اگر با پول طوری رفتار کنید که خاص به نظر برسد، مانند این که دارای قدرت ماورایی است، کودک را تهییج به حراست از آن می‌کنند. کودک می‌تواند بر روی شیشه‌ی سکه‌های خود، برچسب «صندوقچه گنج» بچسباند. این امر سبب می‌شود تا تمایل کم‌تری نسبت

کودک می‌تواند هر شب به همراه پدرش یک بازی بامزه انجام دهد. وقتی پدر به خانه می‌آید، کت خود را تحویل کودک می‌دهد؛ کودک نیز شروع به شکار می‌کند. اگر توانست در جیب‌های کت پدرش سکه پیدا کند، مال خودش خواهد شد.

این بازی، روش خوبی برای آموزش پس انداز به کودکان است. کودک تمام سکه‌هایی را که از جیب پدرش می‌یابد (معمولاً دو یا سه عدد سکه که باید با پیش‌بینی قبلی در جیب پدر باشد)، در یک شیشه مربای خالی ذخیره می‌کند. کودک هر شب منتظر رسیدن پدرش به خانه می‌شود، تا بتواند بازی مورد علاقه‌اش را با او انجام دهد.

۲ یک گوشه قایم کن

یک روش بسیار جالب برای لذت بردن و پس انداز کردن توسط کودکان، قایم کردن پول‌هایشان در کیف‌دستی‌ای است، که از آن استفاده نمی‌کنند (یا لای یک کتاب). آن‌ها احتمالاً فراموش می‌کنند که آن جا پولی قایم کرده‌اند. هنگامی که

پیدا کردن آن سود می‌برد!

۵) قلم دست‌ساز

یک روش خوب برای پس‌انداز خردسالان این است که به آن‌ها کمک کنید تا یک قلم دست‌ساز بسازند. به فرزندتان کمک کنید یک قوطی خالی قهوه را با کاغذ و وسایل دیگر مزین کرده، و به شکل بانک دربیاورند. هرچه پیش‌تر برای ساخت قلم‌شان وقت بگذارند، پیش‌تر تهیج به ذخیره پول‌شان در آن می‌شوند.

۶) اهداف خلاقانه پس‌انداز

در حالی که برخی از کودکان به راحتی از مقوله پس‌انداز پول‌شان استقبال می‌کنند، برخی دیگر نیاز به تشویق و آموزش پیش‌تر دارند. اهداف خلاقانه پس‌انداز به این دسته از کودکان کمک می‌کند تا خود را وقف کنار گذاشتن پول توجیبی‌شان کنند.

ردیابی تصویری اهداف، مانند تیک زدن کاغذ دماسنجی به منظور اضافه شدن پول در هر دفعه و نزدیک شدن مقدار آن به هدف، به کودکان کمک می‌کند که از تماشای رشد پول‌شان لذت ببرند.

۷) بانک خیالی

افتتاح یک حساب پس‌انداز برای کودکان بزرگ‌تر، ایده بسیار خوبی تلقی می‌شود. زیرا به او قواعد سود بانکی را می‌آموزد. اما برای آموزش پس‌انداز به کودکان زیر سن ۹ سال، معمولاً نیاز به روش قابل لمس‌تری خواهید داشت.

برپایی یک بانک خیالی توسط پدر یا مادر، روشی بسیار خوب برای معرفی مفهوم حساب‌های بانکی است؛ بدون آن‌که نیاز به پنهان شدن پول کودک از جلوی چشمش داشته باشید.

پدر یا مادر می‌توانند هر ماه به میزان پولی که فرزندشان پس‌انداز کرده، سود بپردازند. اگر کودک تمایل به دیدن پولش داشت، والدین می‌توانند همان لحظه به او نشانش دهند. بنابراین او خاطر جمع می‌شود که پولش هنوز در همان جایی که ذخیره کرده، باقی مانده است.

مهم‌ترین قدم برای آموزش مسائل مالی به کودکان این است که آن‌ها را به پول علاقه‌مند کنیم. پیوند دادن پول با بازی، بهترین روش برای علاقه‌مند کردن کودکان است. روش‌های ساده و جذاب، همیشه تاثیر عمیقی و ماندگاری بر ذهن و قلب کودکان دارد. از اهمیت این روش‌ها غافل نشوید.



به هدر دادن تمام پولش بر موارد بیهوده داشته باشد.

۴) در جست‌وجوی پول

کودکان به شدت به دنبال پول می‌گردند. کودکان گاهی به صورت ناخودآگاه، به وسیله پیدا کردن پول در مکان‌های پیش‌بینی نشده مانند: زیر میز آشپزخانه، یا کف خودرو، آن‌ها را پس‌انداز می‌کنند.

فرایند پول‌یابی برای هر کودک مفرح و جالب است؛ و به آن‌ها می‌آموزد که ارزش بیشتری نسبت به پول قائل شوند. آن‌ها به خوبی می‌دانند که اگر پول‌شان گم کنند، شخص دیگری با





۹ روش سرگرم کننده برای آموزش صرفه جویی پول به کودکان

درک اهمیت پس انداز پول و صرفه جویی کودکان را برای زندگی سالم تر، شادتر و آرام تر آماده خواهد ساخت. تنها مشکل تان این است که امور مالی ابدا موضوعات مفرحی نبوده، و اغلب کودکان علاقه ای به آموزش در مورد اقتصاد ندارند. به همین منظور چند روش سرگرم کننده را برای معرفی مفاهیم مالی و صرفه جویی به کودکان تان گردآوری کرده ایم؛ همچنین چگونگی ادغام مسئولیت های مالی در زندگی روزمره با آن ها را نشان تان خواهیم داد.



مالی زندگی‌شان، بستگی به آموزش‌های شما به عنوان والدین کودک دارد. با پایه‌گذاری عادات مالی به کودکان از سن کم، آن‌ها برای رفع چالش‌های مالی رایج در بزرگسالی‌شان، آماده خواهند بود.

با وجود آن‌که اغلب مدارس قواعد اساسی سواد مالی را به دانش‌آموزان یاد نمی‌دهند، بار مسئولیت آموزش این دروس به کلی بر دوش والدین قرار گرفته است. یادگیری شمارش پول خرد در کلاس درس، با دروسی که شما از طریق دریافت پول توجیبی، افتتاح حساب بانکی، و تنظیم بودجه به منظور کمک به کودک‌تان برای تهیه نیازهایش به آن‌ها می‌آموزید، بسیار فرق می‌کند.

روش‌های سرگرم‌کننده آموزش پس‌انداز به کودکان کم‌سن آموزش دروس مالی را می‌توان از سنین پیش‌دبستانی آغاز کرد. در ادامه روش‌هایی که به وسیله آن می‌توان کودکان کم‌سن را ترغیب به آموزش پیرامون امور مالی کرد، خدمت‌تان ارائه می‌دهیم.

(۱) تظاهر به معامله کردن

می‌توانید با وسایل موجود در خانه، یک فروشگاه یا رستوران فرضی را در خانه‌تان برپا کنید؛ سپس به فرزندان‌تان یک مقدار معین پول تقلبی داده، و آن‌ها را وادار به معامله کنید؛ مانند چالش خرید پنج جنس (که شما تعیین می‌کنید)، یا سه خوراکی با ۲۰ هزار تومان پولی که در اختیارش گذاشته‌اید. برای مرتبط بودن این فعالیت با صرفه‌جویی باید این موضوع را در نظر بگیرید که از یک جنس مانند پنیر، دو مورد با قیمت‌های متفاوت داشته باشید تا کودک بتواند بین خرید یکی از آن‌ها تصمیم‌گیری کند.

معاملات خیالی در منزل، روش خوبی برای تمرین صرفه‌جویی است.

کودکان به وسیله یادگیری نحوه عملکرد معاملات مالی در یک محیط امن (خانه خود)، آمادگی بهتری را در مواجهه با این موارد در دنیای حقیقی خواهند داشت. این روش را می‌توانید از هنگامی که کودک‌تان وارد دبستان می‌شود، اجرا کنید. پس گرفتن بقیه پول، پرسش قیمت اجناس و حتی چانه‌زنی، موضوعاتی هستند که در حین بازی می‌توانید آن‌ها را لحاظ کنید.

(۲) بازی مونوپلی

بازی‌های تخته‌ای می‌توانند یک روش بسیار عالی و جذاب برای معرفی مفاهیم مالی و آموزش چگونگی برقراری تعادل در خرج و پس‌انداز کردن به کودکان باشد. به وسیله تماشای میزان پولی که در اختیار دارند، کودکان یاد می‌گیرند که چطور از لحاظ بصری با پول ارتباط برقرار کنند. شما هم‌چنین می‌توانید از پول تقلبی نیز برای توضیح پیرامون بودجه خانواده به کودکان بهره ببرید.



■ اهمیت آموزش صرفه‌جویی به کودکان

فرزندان مجبور است تا در تمام طول عمر خود با مسائل مالی بی‌شماری دست و پنجه نرم کند؛ آماده‌سازی هوشمندانه آن‌ها نسبت به اتخاذ تصمیمات مهم





۳ آموزش های مالی تان را به صورت بازی در بیاورید

کودکان همواره غرق در رقابتند؛ بنابراین می توانید پس انداز پول را تبدیل به یک بازی سرگرم کننده بسازید. از آن ها بخواهید تا ماهیانه یک مقدار معین از پول دریافتی شان را پس انداز کنند. اگر این کار را به خوبی انجام دادند، از شما جایزه می گیرند؛ اگر نه، هیچ چیز اضافه ای نصیب شان نمی شود. شما هم چنین می توانید محرک های دیگری از جمله تماشای فیلم در سینما، یا خرید یک جفت کفش، و هر چیز دیگری که کودک تان را تحریک به «پیروزی» می کند، بهره ببرید. هیچ روشی به اندازه بازی نمی تواند در علاقه مند کردن کودکان به مسائل مالی موثر باشد.

۴ آن ها را در روند فروش اجناس خانه تان مشارکت بدهید

فروش اجناس بلااستفاده خانه به

کودکان کمک می کند تا از چگونگی معامله و فروش اجناس مختلف مطلع شوند. آن ها می توانند قبل از هر معامله با قیمت گذاری کالاها و تصمیم گیری پیرامون انتخاب فروش اجناس مختلف به شما کمک کنند. به آن ها اجازه دهید تا مذاکره کرده، و در بالا رفتن سود فروش تان سهیم باشند؛ این امر به آن ها می آموزد که چطور کالاها را بفروشند، و در نهایت حس اعتماد به نفس خاصی نسبت به توانایی های خود کسب کنند. امروزه، افراد زیادی در حال فروش اجناس منزل خود در فضاهایی مانند سایت دیوار و شیپور هستند.

۵ تحریک نوجوانان به پس انداز

یک روش عالی برای تشویق نوجوانان به پس انداز، مشارکت شما با آن ها است. به این معنا که، می توانید به ازای هر پولی که فرزندان تان به عنوان پس انداز کنار می گذارند، از پول خود به پس انداز آن ها اضافه کنید. این روش سبب می شود تا کودک تان بتواند آمادگی بهتری جهت خرید محصولات گران قیمت مانند تلفن همراه یا لپ تاپ داشته باشد؛ این امر همچنین به آن ها کمک خواهد کرد تا برای هدایایی که به آن ها می دهید، و همچنین مدت زمانی که صرف رسیدن به یک محصول گران بها می کنند، ارزش بیشتری قائل شوند. برای تشویق بیش تر نوجوانان تان برای پس انداز می توانید از یک روز شمار برای تعیین موعد دست یابی به هدف شان بهره ببرید.

۶ به فرزندان تان اجازه دهید تا خودشان خرید کنند

اعطای پول توجیبی به کودکان می تواند به آن ها حس خوشایندی از خرید محصولی که شدیداً به آن علاقه مندند، بدهد. برای مثال، اگر قصد عزیمت به یک

آن‌ها نشان دهید که چطور پول‌شان را در شاخه‌های مختلف پس‌انداز، خرج، و اهدا تقسیم کنند. با تثبیت این عادات به کودکان‌تان در سن کم، آن‌ها در آینده و در زمانی که با حجم عظیم‌تری از پول سرکار دارند، راحت‌تر برخورد خواهند کرد. شما هم‌چنین می‌توانید از بودجه خودتان به عنوان یک مثال بهره‌برده، و درصد اختصاص پول به شاخه‌های مختلفی را که به نظرتان برای فرزندان مناسب می‌آیند، به آن‌ها آموزش دهید. هم‌چنین می‌توانید برای کودکان‌تان اهداف کوتاه و بلندمدت بچینید؛ تا برای مثال آن‌ها یاد بگیرند که چطور به صورت جداگانه برای خرید یک بازی ویدئویی و یک محصول گران‌تر مانند یک دوچرخه، پس‌انداز کنند. برخی مسئولیت‌های مالی را به کودکان بسپارید و به عملکرد آن‌ها توجه نشان دهید.

۸) فرزندان‌تان را در جریان امور مالی خانواده خود قرار دهید

هنگامی که همراه با کودکان‌تان به خرید می‌روید، آن‌ها را تشویق کنید تا با شما در روند صرفه‌جویی پول ملحق شوند. برای مثال، به آن‌ها بن‌های تخفیف را داده، و از آن‌ها بخواهید تا در فروشگاه محصولات مناسب را بیابند، و قیمت‌های آن‌ها را با یک‌دیگر مقایسه کنند. اگر در حال خرید پوشاکید، به آن‌ها یک برنامه داده، و آن‌ها را وادار کنید تا با مقداری که تعیین کرده‌اید، به دنبال اجناس موردنیازشان بگردند. مادامی که فرزندان‌تان بزرگ‌تر می‌شوند، آن‌ها را در هنگام پرداخت اقساط و فرایند آن مشارکت دهید. به آن‌ها نشان دهید که پرداخت این موارد به چه شکل است. این موارد روش‌های بسیار خوبی برای راحتی‌سازی کودکان با اسناد مالی خواهد بود؛ پیش از آن که مجبور شوند تا به دست خودشان آن‌ها را بیاموزند. تشویق و پاداش به صرفه‌جویی‌های کودکان، انگیزه کودکان را برای یادگیری این موضوعات افزایش می‌دهد.

۹) با فرزندان‌تان پیرامون امور مالی خود روراست باشید

ارائه یک الگو مناسب به کودکان بهترین روش برای آموزش پیرامون صرفه‌جویی است؛ پس از زمانی که کودکان‌تان به قدر کافی بزرگ شدند، آن‌ها را در امور مالی خانواده شرکت دهید. چه در مورد هزینه کرایه خانه‌تان با همسرتان صحبت کنید، چه در مورد عملکرد مالیات، سعی کنید تا فرزندان‌تان نیز بخشی از مکالمات مالی‌تان باشند.

به اشتراک گذاشتن مقدار حقوق‌تان نیز کار بدی نیست. البته به فرزندان‌تان توضیح دهید که نباید مقدار حقوق‌تان را نزد دیگران جار بزنند؛ تنها مهم است که کودکان‌تان ماحصل سخت‌کوشی و کارتان را بفهمند. افزایش حقوق یا ارتقای درجه‌تان را نیز با فرزندان‌تان جشن بگیرید. با این روش آن‌ها می‌فهمند که درآمدتان چطور بر کل خانواده تاثیر می‌گذارد.

چه در حال استفاده از بن‌های تخفیفی در فروشگاه باشید، چه در حال پرداخت قبوض به وسیله تلفن همراه‌تان، به کودکان‌تان اجازه دهید تا فرایند آن را مشاهده کنند. به سوالات آن‌ها پاسخ داده، و دلایل تصمیمات مالی‌تان را به آن‌ها توضیح دهید. به کودکان‌تان نشان دهید که می‌توانند هر سوالی که پیرامون مسائل مالی داشته‌اند، از شما بپرسند. هم‌چنین هرگز از اعتراف به خطاهای مالی‌تان واهمه نداشته باشید؛ زیرا این اعترافات درس عبرتی برای آن‌ها می‌شود؛ تا بتوانند از خطای مشابه شما پرهیز کنند.

ممکن است در پایان این مطلب با خود فکر کنید که بعضی از این روش‌ها سرگرم کننده به نظر نمی‌رسد. فراموش نکنید، در تمام اوقاتی که شما با کودکان‌تان وقت صرف می‌کنید، به او احساس عشق، مهم بودن و سروکله زدن با مسائل بزرگسالی را هدیه می‌دهید و این برای او لذت بخش است، ضمن آن که با انجام این کار، عزت نفس و اعتمادبه‌نفس کودک را نیز افزایش می‌دهید.

سرگرم‌کننده‌ترین قسمت فعالیت‌ها برای کودکان، وقت گذراندن والدین با آن‌ها است.



سفر خانوادگی را دارید، از کودکان‌تان بخواهید تا مسئولیت خرید سوغاتی‌های خود را بر عهده بگیرند. این امر سبب می‌شود تا از شر تقاضاهای بی‌شمار آن‌ها برای خرید چیزهای مختلف خلاص شوید؛ از این طریق هم‌چنین به آن‌ها اهمیت خرید کردن به دست خودشان را یاد می‌دهید. به علاوه، اگر خریدها را با پول خود انجام دهند، تصمیم‌گیری‌های حاصل از آن به آن‌ها حس واقعی‌تر از تجربه عمل خرید خواهد داد.

برای آموزش صرفه‌جویی، می‌توانید به آن‌ها پیشنهاد دهید به میزانی که بتوانند در خریدهایشان صرفه‌جویی کنند یعنی به همان اندازه‌ای که از پول‌شان باقی می‌ماند، شما برابر همان مقدار به آن‌ها پاداش می‌دهید.

۷) برای آن‌ها بودجه در نظر بگیرید

به جای در اختیار گذاشتن قلمک به کودکان‌تان بدون راهنمایی کافی، به

تعریف شما زنان از موفقیت مالی چیست؟

اگر تاکنون نمی‌دانستید، اکنون باید بدانید که ستاره آسمان وضعیت مالی زنان در حال درخشیدن است. امروزه زنان تقریباً ۵۰ درصد از تمام پست‌های مدیریتی را در دست داشته و بیش از نیمی از ثروت خصوصی آمریکا نیز در اختیار آنان است. آیا شما نیز یک زن شاغل هستید که آماده‌اید برای شکوفایی و موفقیت‌های بیشتر قدم بردارید؟ بهتر است این کار را با ارائه تعریفی از موفقیت که براساس استعدادها، علاقه، اهداف و رویاهایتان است، شروع کنید. زندگی موفق شما چه شکلی است و چه حسی دارد؟ زمانی که این ایده در ذهن شما شکل گرفت که می‌خواهید به کجا برسید، آماده این هستید که به دنبال راهی برای رسیدن به آن بگردید. با تعیین هدف، می‌توانید مسیر صحیح برای رسیدن به آن را نیز تعیین کنید.



کار با دست در آشپزخانه؛ همه این‌ها با یک علاقه شخصی شروع شده‌اند. قصد ما این بود که به زنانی که از لحاظ مالی دچار چالش هستند کمک کنیم تا بتوانند کنترل مسائل مالی خود را در دست بگیرند.

هرگاه بخواهید راه خود را به‌سوی یک دوران کاری موفق و کسب رضایت شخصی شروع کنید و یا این‌که به‌سوی رشد شکوفایی بروید؛ باید بتوانید بین علاقه‌های خاص و شغل‌تان ارتباطی مناسب برقرار کنید. ایده‌هایی که در ادامه آمده از زنان موفق امروزی است و می‌تواند به شما کمک کند تا نقشه خودتان برای

زنان مختلف تعریف متفاوتی از موفقیت دارند. برای یکی، ممکن است موفقیت، داشتن یک پس انداز - هر چند کوچک- باشد، و برای کس دیگری می‌تواند، انجام یک سرمایه‌گذاری بزرگ باشد. بیمه‌شدن برای دوران بازنشستگی نیز می‌تواند برای شخص دیگری احساس موفقیت به همراه بیاورد. برای یک نفر هم موفقیت مالی می‌تواند به معنای ازدواج با یک مرد ثروتمند باشد! (البته خودم شخصاً صددرصد مخالف چنین تعریفی از موفقیت هستم).

همه‌ی موارد بالا نمونه‌هایی از موفقیت مالی هستند. اما موفقیت مالی، تعریف و روش دارد و یادگیری آن به آموزش نیاز دارد. ببینید که زنان فعال و موفق چه کارهایی را انجام می‌دهند و از راهنمایی‌های آنان استفاده کنید.

در ادامه نکاتی که درباره زنان موفق متوجه شده‌ایم را به شما خواهیم گفت: با یک چشم‌انداز شروع کنید. فرقی ندارد چه چشم‌انداز و دیدگاهی باشد، می‌تواند تمایل دبی فیلدز (Debbie Fields) برای پخت کلوچه‌هایی فوق‌العاده خوشمزه باشد، یا آرزوی اوپرا (Oprah) برای نمایش افرادی به عنوان الگوهایی امیدبخش، یا علاقه وافر آشپز مرموز، دوریس کریستوفر (Doris Christopher) برای استفاده از لوازم گوناگون به جای



رسیدن به زندگی رویایی‌تان را بسازید. با ارائه تعریفی از موفقیت که براساس استعدادها، علاقه، اهداف و رویاهایتان است، به سوی موفقیت گام بردارید.

■ به دنبال راهنما باشید

تمام زنان موفق از منتورها (راهنماها)، الگوها و مشاورین خود منفعت زیادی را برده‌اند. این افراد می‌توانند به شما دانشی عملی و دیدگاه مناسبی نسبت به راهی که برای خود انتخاب کرده‌اید بدهند. داشتن اطلاعات در هر فعالیت پولی به معنای قدرت است. مشاوران مالی، می‌توانند اطلاعات مورد نیاز و یا روش‌های کسب آن‌ها را در اختیارتان بگذارند.

دیگران، همه این‌ها مهارت‌های ارزشمندی هستند که شما می‌توانید در محیط کاری خود از آن‌ها استفاده کرده و تقویت کنید. عموماً زن‌ها در این مورد خوب عمل می‌کنند. قدرت شما برای موفقیت مالی چیست؟ اطلاعات مالی، استعدادهای خاص‌تان و مهارت گفتگو کردن!

■ خودتان را به چالش بکشید

به خودتان ایمان داشته باشید و آن را با خطر کردن، فرصت‌طلبی و روبه‌رو شدن با چالش یادگیری و رشد حرفه‌ای، نشان دهید. ممکن است در ابتدا زیاد موفق عمل نکنید، اما وارد عمل شدن، می‌تواند تجربه شما را برای انجام این کار در دفعات آینده افزایش دهد.

■ از کار و زندگی خود لذت ببرید

هر چه بیشتر نسبت به زندگی خود عشق بورزید، انرژی مثبت بیشتری نیز به سمت شما روانه خواهد شد. شکوفایی شما با شکرگزاری برای چیزی که دارید افزایش می‌یابد و با این کار در نظر دیگران جذاب‌تر دیده می‌شوید و بیشتر مورد توجه قرار خواهید گرفت.

■ متمرکز بمانید

نسبت به اهداف خود گارد محکمی بگیرید. برای انجام این کار نیز لازم است صبر و اشتیاق داشته باشید. هر قدمی که در راه درست بردارید در حقیقت شما را به آرزوهایتان نزدیک‌تر می‌کند. از این شاخه به آن شاخه پریدن، حاصلی برایتان ندارد. در مسیر موفقیت با ایمان به خود، مشتاقانه و استوار، روی اهداف خود متمرکز بمانید.

■ در ارتباط با افراد بمانید

شبکه‌ای از دوستان، همکاران، نزدیکان و افراد آگاه بسازید تا با کمک آن‌ها کار و زندگی خود را حمایت کنید. از هر دست که بدهید، از همان دست نیز خواهید گرفت. زمانی که به کمک نیاز داشته باشید، این شبکه برای کمک به شما آماده است. چنانچه بتوانید به موفقیت مالی دست پیدا کنید به این معناست که استقلال مالی دارید. استقلال مالی به معنای شبیه مردان شدن نیست. بلکه به این معناست که اگر روزی در زندگی تنها ماندید، نگرانی‌ای بابت مسائل مالی ندارید. شاید این کامل‌ترین تعریف از موفقیت مالی باشد. رسیدن به موفقیت مالی، هدف ارزشمندی است که برای شما، شادی امنیت خاطر و فرصت رسیدن به آرزوهایتان را فراهم می‌کند. برای رسیدن به این هدف تلاش کنید و از راهنمایی‌های زنان موفق استفاده کنید. استقلال مالی یعنی اگر روزی در زندگی تنها ماندید، نگرانی‌ای بابت مسائل مالی ندارید.



■ از استعدادهایتان استفاده کنید

قدرت‌های خود را بشناسید، مخصوصاً استعدادهای خاصی که دارید، و در طول مسیر خود از آن‌ها استفاده کنید و راه رسیدن به موفقیت خود را بر اساس استفاده از آن‌ها بنا کنید. ممکن است در آشنایی، نویسنده‌گی و یا عکاسی استعداد خوبی داشته باشید. از آن‌ها استفاده کنید.

■ راحت گفتگو کنید

گوش دادن با صبر و حوصله، صحبت کردن با توجه به نیازها و انتظارات شنوندگان، تفسیر پیام‌های گفته و ناگفته



با چقدر پول ثروتمند به شمار می‌آییم؟

آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که چقدر باید پول در بیاورید تا ثروتمند در نظر گرفته شوید؟ جالب است که مدارک تحصیلی برای ثروتمند شدن و اینکه ثروتمندان چگونه پول تولید می‌کنند، هیچ ارتباطی ندارد. اما سرمایه‌گذاری در سهام، املاک و مستغلات و سرمایه‌گذاری در سایر دارایی‌ها می‌تواند در این سفر رسیدن شما به ثروتمندی کمک کنند. در واقع خیلی بیشتر از تحصیلات شما، این موارد هستند که سبب غنی شدن شما می‌شوند.

ثروتمندی، نسبی است و هیچ موقع یک واژه مطلق نیست. بعضی از افراد پس از به چالش کشیدن خود و به دست آوردن مقداری سرمایه احساس می‌کنند که ثروتمند شده‌اند اما در واقع سرمایه‌داری چیزی بیشتر از افزایش قدرت خرید برای خرید فرضا ماشین گران‌قیمت و یا رفتن به یک سفر تفریحی است.

چه کسی ثروتمند است؟

خانواده‌های معمولی آمریکایی امروز از بالاترین سطح زندگی در تمام دوره‌های تاریخی قبل برخوردار هستند. آن‌ها می‌دانند که به چه چیزهایی باید اعتماد کنند و کدام رسانه‌های عمومی برایشان مناسب است. آن‌ها به شدت تلاش می‌کنند تا در بین خانواده‌شان راحتی و نفوذ بیشتری را ایجاد کنند و تلاش می‌کنند تا ثروت را در زندگی خود سرازیر کنند. نوآوری‌های تکنولوژیکی و بهره‌وری‌ها در پایین‌ترین مناطق آمریکا نیز به خوبی مشهود است. تقریباً در هیچ خانه‌ای نیست که ماشین لباسشویی مدرن موجود نباشد. به طور معمول هر خانواده آمریکایی حدود ۴۰ ساعت بیشتر در هفته نسبت به اجداد خود در آرامش است. البته که متأسفانه این مقدار را با صرف کردن وقتشان جلوی تلویزیون تباه می‌کنند و این نشانه یک جامعه مصرفی است.

خانواده‌ها در حال حاضر در آمریکا دارای دو اتومبیل هستند معمولاً یک اتومبیل مسافرتی و یک اتومبیل درون شهری. خانه‌های آن‌ها معمولاً با تهویه مطبوع و سیستم حرارت مرکزی

من به عنوان یک خانم، همواره دوست داشتم که ثروتمند شوم و قبل از اینکه ازدواج کنم مایل بودم که ثروتمند شده باشم. بعد از این‌که مدرسه را به اتمام رساندم شروع به مطالعه بر روی کسب و کار و سرمایه‌گذاری کردم و در هر مقطعی تلاش کردم که تصمیمات هوشمندانه‌ای را اتخاذ کنم. منابع خود را مورد ارزیابی قرار دادم و سعی کردم از داشته‌ها و منابع خود سرمایه ایجاد کنم. با استفاده از مفاهیمی مانند حقوق صلح آمیز، قادر به کسب رقم قابل توجهی در سال در دانشکده بودم. همین‌طور توانستم برادر کوچکترم را نیز در یک مدرسه سطح بالا، بدون نیاز به وام ثبت نام کنم و این در حالیکه که بسیاری از همکاران و دوستان من از وضعیت مالی‌شان در رنج بودند.

کنترل می‌شود. تقریباً هیچ خانه‌ای نیست که آب سرد و گرم نداشته باشد و اینترنت با سرعت بالا تقریباً در تمام خانه‌ها موجود است. ثروتمند بودن چیزی بیش از افزایش قدرت خرید برای خریدن فرضاً یک ماشین گران‌قیمت است.

نسل جدید تلویزیون‌ها دیگر همچون قبل نیست و تلویزیون‌های امروزی قادر به نمایش رنگ‌های درخشان با صدای باور نکردنی هستند و مجموعه‌ی بی‌نهایتی از رسانه‌های مختلف دارند. با این حال این خانواده‌ها با چنین سطحی از رفاه و آسایش ثروتمند محسوب نمی‌شوند.

دولت آمریکا در حال حاضر یک زن و شوهر متاهل با دو فرزند که ۴۴ هزار دلار در سال درآمد داشته و تحت تعاریف خاصی قرار دارند را یک خانواده سطح پایین در نظر می‌گیرد و رسیدن به یک تا دو درصد برتر جامعه معمولاً کمی دشوار است.

چرا ۹۰ درصد طبقه متوسط ثروتمند نمی‌شوند؟

کسانی که از وضعیت مالی متوسطی برخوردارند عموماً نشانه‌هایی از ناآگاهی اقتصادی را نشان می‌دهند. سواد مالی ویژه کسانی است که از لحاظ مالی نیز ثروتمند هستند؛ به این یک واقعیت کاملاً درست است. هزینه‌های مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی خانواده‌های ثروتمند معمولاً بیشتر از سایر خانواده‌هاست؛ این نه به دلیل ثروتمند بودن آن‌ها بلکه به این دلیل است که آن‌ها نمی‌خواهند دچار بیماری شوند و یا هزینه‌های خیلی بیشتری بابت بیماری بپردازند و همین‌طور آن‌ها بابت آموزش خود هزینه‌های زیادی می‌پردازند تا بتوانند به مراتب خود را ثروتمندتر کنند.

البته مواردی که در بالا اشاره کردیم جزو واقعیت‌هایی بود که به هر صورت تغییری نمی‌کند اما به صورت جزئی امکان تغییر آن برای تمام افراد فراهم است. به این معنا که مواردی که ما به آن‌ها می‌پردازیم باعث می‌شود که شما به عنوان یکی از افراد ثروتمند جامعه در چند سال آینده قرار بگیرید اما به طور کلی نمی‌توان نود درصد افراد متوسط و رو به پایین جامعه را ثروتمند کرد. همواره این نسبت پایدار خواهد بود؛ با این حال شما باید تمام تلاشتان را برای ثروتمند شدن انجام دهید و در سیر تکامل انسان، از لحاظ مالی نیز رفتارهای تکامل یافته انجام دهید، به عبارت ساده‌تر سواد مالی‌تان را بالا ببرید و اقدام کنید.

به طور کلی نمی‌توان نود درصد افراد متوسط و رو به پایین جامعه را ثروتمند کرد.

مردم از زندگی خود عموماً راضی هستند یعنی آن‌ها از آن چیزی که «درک می‌کنند» رضایت دارند. در واقع از کیفیت زندگیشان هنگامی که نیازهای حداقلی خود را مورد بررسی قرار می‌دهند و قدرت برآورده کردن نیازهایشان را ارزیابی می‌کنند یک رضایت نسبی دارند. این به آن معناست که فردی که سالیانه ۲۵ هزار دلار درآمد دارد خوشبخت است و اگر این ۲۵ هزار دلار را به ۱۵۰ هزار دلار در سال افزایش دهد خوشبخت تر خواهد شد و اگر حالا این رقم را به عدد ۵۰۰ هزار دلار در سال برساند احساس رضایت به مراتب بیشتری نسبت

به قبل دارد.

میل شدید افراد به ثروتمند شدن چیز است که به صورت ذاتی در درون همه انسان‌ها وجود دارد. آن‌ها دوست دارند نسبت به قبل ثروتمندتر، نسبت به همسالان، نسبت به اعضای خانواده، نسبت به دوستان و همکاران و همسایگانشان وضعیت ثروت و مالی بهتری داشته باشند.

اما این میل تنها در ۵۰ درصد افراد دنیا وجود دارد! با همین درصد به خوبی می‌توانیم متوجه شویم که چرا نمی‌توان نسبت کلی یا درصد زیاد افراد متوسط رو به پایین جامعه را کاهش داد به دلیل اینکه آن‌ها میل به ثروتمند شدن نیستند.

توانایی تامین نیازهای حداقلی، باعث احساس رضایت نسبی افراد از کیفیت زندگی خود می‌شود.

در ادامه آن ۵۰ درصدی که تمایل به ثروتمند شدن دارند نیز، بسیاری راه آن را نمی‌دانند و در این زمینه آگاهی ندارند. آن‌ها نمی‌دانند که از پول خود چه استفاده‌ای باید کنند. اگر به آن‌ها یک میلیون دلار هم بدهید آن‌ها نمی‌دانند که چطور باید از این پول استفاده کنند. شاید یک دوره زمانی کوتاه بسیار خوش و شاد سپری کنند و به تعطیلات بروند ولی در نهایت پولشان تمام شده و به سرکار قبلیشان باز خواهند گشت. اگر یک ثروتمند به یک‌باره فقیر شده باشد، از آنجا که راه ثروتمندی را یاد گرفته است، در کوتاه‌ترین زمان ممکن به ثروت قبلی خود خواهد رسید. چیزی که اینجا مطرح می‌کنیم چیزی فراتر از هوش است، در واقع درک درست ما نسبت به ثروت و مفهوم دقیق پول است.

چطور می‌توانیم تعیین کنیم که آیا کسی

ثروتمند است یا خیر؟

در ابتدا باید بدانیم منظور از ثروت میزان «درآمد» است یا «ثروت خالص».

درآمد: همان چیزی است که فرد به صورت نقدی از طریق حقوق، سود، بهره یا اجاره بها و سایر موارد دریافت می‌کند و آن را برای مصارف خود هزینه کرده و یا با صرفه‌جویی پس انداز می‌کند. داشتن درآمد زیاد ثروتمند بودن فرد را تضمین نمی‌کند بلکه مدیریت پول و نقدینگی مثل صرفه‌جویی، پس انداز و یا سرمایه‌گذاری است که باعث تولید ثروت می‌شود.

ثروت خالص: ارزش تمام دارایی‌های فرد از قبیل پول، املاک، مستغلات و غیره منهای تمام بدهی‌های فرد را ثروت خالص





یک زندگی پرزرقوبرق را تجربه می کنند. بعد از گذشت مدتی ثروت آن ها به یکباره رشد کرده و سالانه حدود ۳ تا ۵ میلیون دلار درآمد برای آن ها ایجاد می کند. این مبلغ اضافی که خارج از تمام نیازمندی های آن ها است یک برگ برنده و یا یک کارت امتیاز بزرگ برای آن ها است و آن ها را جزو ثروتمندان مطلق جامعه طبقه بندی می کند.

■ ثروتمندان نسبی

اگر مجبور شویم که ثروتمندان نسبی را در یک بازه جمعیتی قرار دهیم باید بگوییم که ثروتمندان نسبی بین ۵ تا ۱۰ درصد افراد هر جامعه را تشکیل می دهند. البته در جوامعی که دارای فساد مالی و یا تبعیض مالی هستند این درصد معمولاً متفاوت است. همچنین این بازه درصدی به ویژگی های جغرافیایی منطقه نیز مرتبط است. «معمولاً ۹۰ درصد درآمد خانواده های ثروتمند نسبی توسط نود درصد افراد جامعه تولید می شود.» این به معنای این است که خانواده های کمتر توسعه یافته و یا خانواده های کمتر ثروتمند، نیروی

می گویند. در واقع آنچه که ثروت نامیده می شود شامل این بخش از دارایی ها می شود. بنابراین «درآمد» بخشی مجزا و متفاوت از «ثروت خالص» است. ما می توانیم یک طبقه بندی سه گانه برای ثروتمندی در نظر بگیریم:

■ طبقه بندی ثروتمندی

ثروتمندان مطلق

(کسانی که در خانواده ی ثروتمند به دنیا آمده اند)

ثروتمندان مطلق در آمریکا روند بسیار جالبی دارند. آن ها ثروت خود را از درآمد حدود ۸۰ هزار دلار در سال شروع می کنند و سعی می کنند یک زندگی استاندارد و هوشمندانه را برای خود ایجاد کنند. در ادامه سعی در توسعه ثروتشان دارند به طوری که در مدت زمان کوتاهی درآمد خود را به سالانه بیشتر از ۴۰۰ هزار دلار می رسانند. در این زمان قدرت خرید آن ها بسیار بالاست و هر چیزی که مد نظرشان باشد می توانند بخرند اما بر اساس هوش تجاری که به دست آورده اند، کمی صرفه جوتر و مقتصدتر از قبل رفتار می کنند.

ثروتمندان مطلق، در عین آن که صرفه جو هستند ولی به دلیل استانداردهایی که برای زندگی خود تعیین کرده اند، از دید دیگران



معنای واقعی کلمه خرج کردن‌های امروز ما برایمان لذت‌بخش است؟ لاف‌ل برای من اینگونه نبوده.

چرا که در این لذت بردن‌ها، نگران فردای مالی خود بوده‌ام. پس خوب است با کمی مدارا و استفاده از برنامه‌های صرفه‌جویی و تلاش برای ایجاد استراتژی خوب کسب و کار و سرمایه‌گذاری، یک لذت ماندگار و جذاب و عمیق را برای خود ایجاد کنیم. ثروتمندی یک بازی است و پول ابزار این بازی است. باید بلد باشید از این ابزار برای خوب بازی کردن استفاده کنید.

ثروتمند شدن شاید برای دیگران و یا کسانی که هنوز ثروتمند نشده‌اند به معنای ماشین‌های گران قیمت، کمد لباس‌های سفارشی، کفش‌های گران قیمت و سفرهای لوکس خارجی باشد اما خود ثروتمندان بهتر می‌دانند که نیمی از افراد جامعه کفش‌های به مراتب گران قیمت‌تری از آن‌ها به پا می‌کنند. ثروتمندان معمولاً بیشتر چانه می‌زنند، بیشتر تخفیف می‌گیرند و معمولاً بیشتر صرفه‌جویی می‌کنند.

«رفاه زندگی آن‌ها ارزش افزوده‌ای است که آن‌ها از صرفه‌جویی و سرمایه‌گذاری‌هایشان به دست می‌آورند.»

حال پس از این توضیحات شما می‌توانید متوجه شوید که آیا ثروتمند هستید یا صرفاً درآمد بالایی دارید؟ برای ثروتمند شدن چه کاری لازم است انجام دهید؟ و این که آیا پول هدف است یا وسیله؟ و بسیاری سوالات دیگر که با توجه به شرایط مالی و اولویت‌های خود در زندگی می‌توانید به آن پاسخ دهید.



تولید ثروت برای خانواده‌های سطح بالاتر از خود هستند.

■ ثروتمندان واقعی

ثروتمندان واقعی دو ویژگی اصلی دارند که به کمک آن‌ها می‌توانیم متوجه شویم این افراد در دسته ثروتمندان واقعی در نظر گرفته می‌شوند. براساس یک رابطه ساده، ثروتمندان واقعی کسانی هستند که به خوبی می‌توانند شیوه زندگی خود را اداره کنند. هر چیز که مد نظرشان هست تهیه کنند و یک جریان درآمد غیر فعال ولی حرفه‌ای برای خود دارند.

ویژگی دوم خانواده‌ها و یا افراد ثروتمند واقعی این است که می‌توانند به خوبی وقت خود را صرف آن چیزی کنند که مد نظرشان است؛ به عنوان مثال ممکن است آن‌ها وقت خود را سرگرم به دست آوردن پول نکنند و تنها ۵۰ هزار دلار در سال درآمد به دست بیاورند در حالی که جریان‌های درآمدی منفعل آن‌ها سالانه بیش از دو میلیون دلار به حساب آن‌ها واریز می‌کند، آن‌ها توانسته‌اند یک سیستم منفعل و اتوماتیک جریان درآمدی برای خود ایجاد کنند.

استراتژی شما به عنوان یک سرمایه‌گذاری جدید نباید صرفاً صرفه‌جویی در هزینه‌ها باشد. گرچه صرفه‌جویی یک گنج بی‌پایان است، اما تنها عامل پیشرفت و عامل ثروتمندی نخواهد بود. در عوض به صورت مکمل شما باید استراتژی‌های سرمایه‌گذاری، روش‌های محاسبه سرمایه و درک درستی از ارقام را آموزش ببینید.

■ درک ثروتمندان واقعی از پول

پول یک ابزار است و به کمک شما می‌آید.





تعمیر یا تعویض؟ مسئله این است

■ تعمیر یا تعویض لوازم خانگی

لوازم برقی بی نقص نیستند و بالاخره در نقطه‌ای از کار می‌افتند.

در مورد وسایل آشپزخانه مانند یخچال که بالاخره یک روز نیاز به تعمیر پیدا می‌کند می‌بایست ابتدا عمر مفید آن را مد نظر بگیریم. عمر مفید یک یخچال امروزی، حدود ۲۰ سال است. اگر موعد ضمانت یخچال به اتمام نرسیده باشد که جای هیچ سوالی نیست و حتما باید از خدمات آن استفاده کرد. اما اگر عمر

عمر هیچ وسیله‌ای بی‌نهایت نیست و بالاخره روزی به تعمیر احتیاج پیدا می‌کند. هم‌چنین روزی می‌رسد که حتی تعمیر کردنش نیز به‌صرفه نیست و می‌بایست آن را با یک مشابه نو تعویض کنیم. البته که می‌بایست تا حد امکان از وسایل مان درست مراقبت کنیم تا گرفتار هزینه تعمیر و تعویض نشویم، اما اگر یک وسیله مهم‌مان خراب شود باید چه کنیم؟

این اتفاق می‌تواند بسیاری از جوانب زندگی مثل بازده، راندمان و شرایط بودجه‌مان را تحت تاثیر خود قرار دهد. حال وقت آن است که به این پرسش مهم پاسخ دهیم: آیا باید وسیله خراب‌شده را تعمیر کنیم یا تعویض کردنش بهتر است؟

چون احتمالاً پس از مدت کوتاهی دوباره خراب می‌شود. در این سناریو می‌بایست تعویض یخچال را اولویت خود قرار دهیم. در جریان تصمیم‌گیری این مثال هم‌چنین موضوع به‌روز بودن مطرح می‌شود. یعنی یخچال‌های با فناوری امروز مسلماً عملکرد بهتری نسبت به یخچال‌های ۳۰ سال پیش دارند. یخچال‌های امروزی برق کم‌تری مصرف می‌کنند و ویژگی‌های بهتری دارند. بنابراین با تعویض کردن آن بازده زندگی نیز بالاتر می‌رود. البته برای تصمیم‌گیری کلی نسبت به گزینه تعویض یا تعمیر نمی‌توانیم تنها به مثال یخچال بسنده کنیم. زیرا هر وسیله‌ای شرایط خاص خود را دارد. در نظر گرفتن فاکتور عمر مفید در اکثر مواقع جواب می‌دهد. اما گاهی پیش می‌آید که تعمیر اجناس مان حتی پیش از رسیدن به عمر مفیدشان نیز به‌صرفه نیست.



■ تعمیر یا تعویض گوشی

اگر گوشی هوشمندمان که تنها یک هفته از خرید آن می‌گذرد اتفاقاً از دست‌مان بیفتد و صفحه نمایشگر آن خراب شود، حتماً گزینه تعمیر را مد نظر می‌گیریم. اما اگر وخامت تصادف به قدری باشد که به‌جز صفحه نمایش، باقی اجزای مهم از جمله برد الکترونیکی و پوشش قاب آن نیز صدمه ببیند، هزینه تعمیرات به قدری بالا می‌رود که تصمیم به خرید گوشی نو برای مان عاقلانه‌تر خواهد بود.

■ تعمیر یا تعویض خودرو

خودرو یکی از بزرگترین خریدهایی است که افراد انجام می‌دهند. بنابراین زمانی که خودرو ما خراب می‌شود می‌تواند تبدیل به یک عامل استرس‌زای بزرگ شود. بنابراین همواره بهتر است از خودروی خود مراقبت کنیم تا میزان مشکلات و خرابی‌هایش را به حداقل برسانیم. اما در هر صورت ماشین‌ها نیز خراب میشوند و باید تعمیر یا تعویض و خرید یک ماشین نو را بررسی کنیم.

اگر خیلی به ماشین نیاز دارید و در جایی زندگی می‌کنید که برای رفتن به محل کار یا مدرسه بچه‌ها به ماشین شخصی نیاز دارید و از طرف دیگر، توانایی مالی خرید یک ماشین جدید را نیز ندارید، پس بهتر است به فکر تعمیر خودروی خود

یخچال مان ۱۰ سال باشد و برای مثال موتور آن نیاز به تعمیر پیدا کند، باید چه تصمیمی بگیریم؟ در این سناریو، تعمیر موتور یخچال به منزله آن است که (احتمالاً) تا ۱۰ سال دیگر می‌توان از آن استفاده کرد، پس عاقلانه‌اش این است که از خرید یخچال نو که هزینه بسیار بالایی دارد صرف نظر کنیم. از طرفی اگر عمر مفید یخچال به سر آمده و به سن ۳۰ سالگی رسیده باشد، تعمیر کردن آن صرفه اقتصادی ندارد؛



مسئله منطقی نگاه کرد و این سوال را پرسید که چه زمانی لباس نو بخریم و چه زمانی لباسمان را تعمیر کنیم؟ لباس خود را تعمیر کنید اگر خیلی آن را دوست دارید، و تعمیر آن را دوباره عالی می‌کند. تعمیرات بهترین روش برای حفظ لباس‌هایی است که خیلی دوستشان دارید. اگر فقط زیپ لباس‌تان مشکل دارد، یا دکمه‌هایش خراب است، می‌توان به تعمیر فکر کرد. اما اگر تعمیر یک لباس به اندازه یک خرید یک لباس نو هزینه دارد باید به میزان علاقه‌تان به لباس بنگرید.

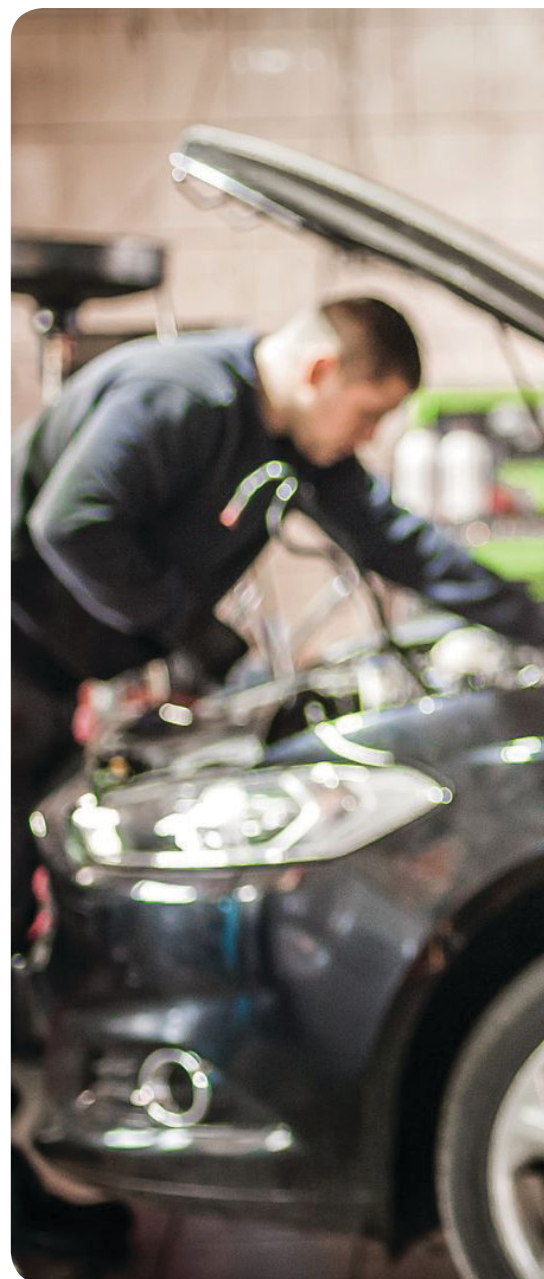
باشید هرچند که ممکن است خیلی ارزان برایتان تمام نشود. در هر صورت از بی ماشین بودن بودن بهتر است. ماشین‌تان را تعویض کنید اگر بخش‌های مختلفی از آن مشکل دارد و تعمیر آن‌ها خیلی هزینه‌بر است. بخصوص اگر هزینه‌هایش قرار است در فواصل زمانی نزدیک، دائما تکرار شود. با تعمیرکار خود صحبت کنید و در صورت امکان مالی به فکر تهیه یک ماشین جدید باشید.

■ تعمیر یا تعویض لباس

برخی افراد عاشق خرید لباس‌های جدید هستند و برخی به لباس‌های قدیمی‌شان علاقه‌مندند و به دلایل مختلف از آن‌ها دل نمی‌کنند؛ ممکن است از یک لباس خاطره داشته باشند و یا ممکن است هزینه کردن برای لباس‌های جدید را و لخرجی بدانند. نه زیادی لباس خریدن خوب است و نه زیادی صرفه‌جویی کردن. می‌توان به این

مسئله سنگین‌تر از مثال یخچال خواهد بود؛ به همین خاطر موضوع تعمیر و تعویض ابزارات از کار افتاده چالش بسیاری از کارخانجات صنعتی به‌شمار می‌رود. اگر دستگاهی در کارخانه از کار بیافتد بازه کار پایین می‌آید و حتی شاید جریان کار به کلی قطع شود. بنابراین کارشناسان مربوطه می‌بایست در سریع‌ترین زمان ممکن تصمیم بگیرند که از میان گزینه‌های تعمیر یا تعویض کدام‌یک را انتخاب کنند.

برخی از کارخانجات در این شرایط از فرمول ۵۰-۶۰ استفاده می‌کنند. که یعنی اگر هزینه تعمیر ابزارشان بیش از ۵۰ تا ۶۰ درصد قیمت آن باشد، تعویض کردن را به تعمیر ترجیح می‌دهند. هر چه باشد وسیله نو عملکرد بهتری از وسیله تعمیرشده خواهد داشت. شاید این فرمول به کار شما نیز بیاید.



■ روز نگهداری و تعمیر وسایل

در مجموع، هر جنس یا دستگاهی برای سالم ماندن و عملکرد درست نیاز به مراقبت دارد. بدون مراقبت صحیح از وسایل احتمال خرابی و تراشیده شدن خرج برای تعمیر یا تعویض آن‌ها بالاتر می‌رود. نادیده گرفتن اصول مراقبت در برخی موارد حتی ممکن است صدمات جدی‌تر و خطرناک‌تر به جا بگذارد.

این موضوع به قدری مهم است که حتی یک روز در تقویم برخی کشورها را به خود اختصاص داده است. روز نگهداری و تعمیر وسایل برای آن به وجود آمده تا یادآور این نکته باشد که خانه، تجهیزات، دستگاه‌ها و ماشین‌ها و هر جنس دیگری را که نیاز به تعمیر و مراقبت دارند مرتباً بررسی کنیم تا از سالم بودن و درست عملکرد آن‌ها مطمئن شویم.

برای مثال، مخازن مایعات خودروی خود از جمله بطری‌های روغن ترمز و شیشه‌شوی، و هم‌چنین مخازن روغن موتور و رادیاتور را به طور منظم بررسی کرده و در صورت کم بودن، آن‌ها را پر کنید. بررسی سطح روغن ترمز خودرو زمان چندانی از ما نمی‌گیرد، اما اگر انجام آن را پشت گوش بیندازیم ممکن است در آینده برای مان خطر آفرین بشود.

آیا آنقدر به لباس‌تان علاقه دارید که یک هزینه سنگین برای تعمیرش کنید؟ بر این اساس تصمیم بگیرید. لباس خود را تعویض کنید اگر پارچه‌ی آن خیلی رنگ و رو رفته شده است و یا سوراخ شده و تعمیر ظاهر آن را بدتر می‌کند. لباس‌های خیلی کهنه می‌تواند ظاهر کلی شما را پایین بیاورد.

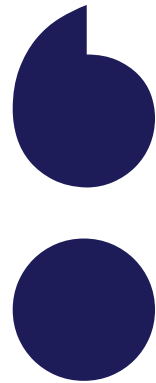
■ رویکرد کارخانجات نسبت به تصمیم‌گیری تعمیر یا تعویض ابزارات خود

هزینه تعمیر وسایل عظیم کارخانه‌ای



نقش دانش و اطلاعات در سرمایه‌گذاری‌ها

امروزه اهمیت ارتباطات و اطلاعات بیش از هر زمان دیگری مشخص است. در دور افتاده‌ترین مناطق دنیا مردم از طریق وسایل ارتباطی فُتاورانه با هم ارتباط برقرار می‌کنند. کسانی که دانش و توانایی استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی را ندارند همواره با حیرت به سایر مردم که خود را با این تغییرات هماهنگ کرده‌اند، می‌نگرند. داشتن اطلاعات در همه زمینه‌های زندگی پراهمیت شده است. در دنیای کنونی، می‌توان در منزل خود دستور پخت غذای سنتی یک کشور دیگر را به‌دست آورد و آن را تهیه کرد، قبل از سفر به هر منطقه‌ای اطلاعات کامل در زمینه آب‌وهوا، جاهای دیدنی، هتل‌ها و مرکز خریدها و... به‌دست آورد یا در یک شهر کوچک می‌توان زمینه‌ساز یک پویش جهانی شد. به‌عنوان مثال، با نمایش یک حرکت انسان‌دوستانه در فضای مجازی می‌توان مردمی از کشورهای مختلف جهان را با خود همراه کرد. کسب اطلاعات در موقعیت‌هایی مانند جنگ، حکم مرگ و زندگی را دارد. مخوف و عجیب بودن سازمان اطلاعات در همه کشورهای جهان، به‌دلیل دارا بودن اطلاعاتی است که سایر مردم از آن بی‌خبرند. شما بدون آن‌که بدانید کاملاً تحت کنترل هستید.



راثر و تمند کند.

در عصر اطلاعات دیگر نیازی به طلا، نفت و زمین‌های کشاورزی نیست، بلکه با استفاده بهینه از تکنولوژی می‌توان میلیون‌ها دلار پول و سرمایه به دست آورد. بشر در زمان‌های دور می‌گفت: «زمین من جزئی از سرمایه من است» اما امروزه می‌گوید: «شغل من سرمایه من است و من فقط به اطلاعات و آموزش‌هایی نیاز دارم که بتوانم درآمدم را بیشتر کنم.» در عصر جدید اطلاعات سرمایه است، با اطلاعات است که ثروتمند می‌شوید.

■ دنیای اقتصاد بر اساس چهار دوره زمانی به وجود آمده است:

دوره انسان‌های اولیه و شکارچیان: در این زمان، تمام ارزش‌ها در طبیعت نهفته بود. اگر کسی می‌دانست چگونه شکار کند یا گله خود را به صحرا ببرد برای زنده ماندنش کافی بود. در آن زمان افراد طبقات مختلفی نداشتند و همگی جزء یک قشر بودند و شرایط کاملاً یکسانی داشتند.

دوره کشاورزی و زمین‌داری: دوره‌ای که مردم یاد گرفتند چگونه از زمین‌های بایر برای کاشت محصولات غذایی استفاده کنند. آن موقع زمین‌های کشاورزی بسیار ارزش پیدا کردند به طوری که بسیاری از پادشاهان و امپراتورها به دنبال فتح سرزمین‌ها بودند. مردم نیز در زمین‌های کشاورزی خود کار می‌کردند و به نسبت کاشت محصول خود به کشور مالیات می‌دادند. در آن زمان مردم یاد گرفتند که چطور زمین‌ها و خانه‌ها را خرید و فروش کنند. فاصله‌های طبقاتی نیز در آن زمان شکل گرفتند. مردم عادی چیزی نداشتند و همه چیز از آن پادشاهان و زمین‌داران بود.

عصر صنعت: زمانی که کریستف کلمب و دیگر پژوهشگران به دنبال منابع طبیعی و صنعتی رفتند. منابعی مانند نفت، مس، قلع و پلاستیک کشف و با ارزش شدند. هنری فورد اولین اتومبیل دنیا را ساخت و کار او باعث شد که گرایش مردم به ساخت ابزارهای مکانیکی بیشتر شود. در همین میان طبقه سومی شکل گرفتند که قبلاً هرگز نبودند؛ طبقه ثروتمند، طبقه متوسط و طبقه فقیر.

عصر ارتباطات و اطلاعات: این عصر با اختراع کامپیوترهای دیجیتال آغاز شد. بشر یاد گرفت که از تکنولوژی نهایت استفاده را ببرد و در جهت تولید و مصرف محصولات گوناگون گام بردارد. قیمت‌ها افزایش یافت؛ اما زندگی بسیار آسان‌تر از قبل شد. همه چیز در دسترس بود و همه می‌توانستند آن‌طور که دوست دارند زندگی کنند. به همین ترتیب، گروه دیگری از افراد شکل گرفتند و طبقات اجتماعی به چهار دسته فقیر، متوسط، پولدار و ثروتمند تقسیم‌بندی شدند.

طبقه ثروتمند حاصل عصر ارتباطات و اطلاعات هستند. آن‌ها کسانی‌اند که می‌دانند چگونه از اطلاعات خود استفاده کنند. شما نیز می‌توانید یکی از آن‌ها باشید.

امروزه شکاف میان طبقات اجتماعی، اختلاف میان سطح اطلاعات آن‌هاست. هر چند دسترسی به اطلاعات خیلی آسان و راحت است، اما مردم نمی‌دانند که چرا و چگونه باید سطح آگاهی خود را افزایش دهند. در دنیای کنونی دیگر لازم نیست که به آن سوی مرزها سفر کنیم و در کشورهای بیگانه سخت کار کنیم. فقط کافی است بدانیم با آنچه داریم چه کنیم تا به موفقیت برسیم.



امروزه به دست آوردن اطلاعات در زمینه کسب ثروت نیز اهمیت فراوانی پیدا کرده است. در قرن‌های گذشته مردم از طریق دسترسی به معادن طلا، کشاورزی، دامداری و چاه‌های نفت پولدار می‌شدند، اما امروزه اطلاعات به تنهایی می‌تواند آن‌ها





■ اطلاعات لازم در بارهٔ زمان مناسب سرمایه‌گذاری را به دست آورید

به زمان توجه کنید. زمان مناسب برای سرمایه‌گذاری و تجارت را بسنجید. اطلاعات در مواقعی مانند جنگ و تجارت سرنوشت یک دقیقه بعد ما را نشان می‌دهند. با مدیریت زمان می‌توانید رقیبان خود را شکست دهید.

■ از منابع معتبر برای کسب اطلاعات استفاده کنید

از منابع اطلاعاتی موثق و معتبر استفاده کنید تا بتوانید اعتبار اطلاعاتی را که می‌دانید بسنجید. برای به‌دست آوردن اطلاعات در هر زمینه‌ای به دنبال افراد متخصص و موفق در همان زمینه بروید.

اطلاعات پایه‌ای و اساسی دربارهٔ تجارت و مسائل تجاری روزبه‌روز در حال تغییرند. تنها کاری که می‌توان کرد این است که با تحلیل اطلاعات قبلی و طبقه‌بندی اطلاعات امروز، اطلاعات مورد نیاز در آینده را پیش‌بینی کرد. ما مجبوریم تمامی اطلاعات مرتبط با تجارت خود را بدانیم.

همواره باید دقت کنیم که فریب اطلاعات فریبنده را نخوریم. برای فریب دادن شما تنها کافی است که رقیبتان نقاط ضعف شما را بشناسد و گزینه‌هایی را پیش رویتان بگذارد یا برایتان برجسته کند که سرمایه‌تان را از دستتان خارج کند. در اینجا اهمیت حفاظت از اطلاعات داخلی بیش‌ازپیش مشخص می‌شود.

در تجارت اطلاعات فریبندهٔ زیادی وجود دارد. به‌عنوان مثال، یک کارشناس ممکن است چیزی را به شما بگوید؛ اما خودش برعکس آن را انجام دهد. آن‌ها افراد ناآگاه را طعمه خود قرار می‌دهند تا با سرمایه‌گذاری‌های غلط خود اوضاع نابسامان بازار را بهبود دهند و شرایط را برای سرمایه‌گذاری‌های بعدی خود مساعد کنند. آن‌ها هنگامی که قیمت‌ها بالا می‌رود به مردم می‌گویند که سرمایه‌گذاری‌های‌شان را بیشتر کنند تا از سودهای استثنایی بهره‌مند شوند، اما هرگز خودشان چنین کاری نمی‌کنند.

با داشتن اطلاعات و مدیریت زمان در شرایط حساس مانند جنگ رقیبان خود را شکست

شما همواره با حجم عظیمی از اطلاعات روبرو می‌شوید و این گستردگی اطلاعاتی ممکن است شما را نگران کند و ندانید که با آن‌ها چه کنید و یا به کدام یک اعتماد کنید. تدابیری برای این کار وجود دارد. اطلاعات را بر اساس اهمیتشان طبقه‌بندی کنید. این کار دسترسی به آن‌ها را آسان‌تر می‌کند.

■ اطلاعات مهم و حیاتی سرمایه‌گذاری‌تان را بشناسید

اطلاعات محرمانه در دنیای تجارت به اطلاعات داخلی معروفاند؛ یعنی اطلاعاتی که کسی غیر از خودتان نباید از آن‌ها اطلاع داشته باشد. اگر کسی به اطلاعات داخلی تجارت شما آگاه شود ممکن است از آن‌ها در جهت سود و منفعت خود استفاده کند و تجارت شما را دچار مشکل کند. شما باید اطلاعات داخلی و حیاتی سرمایه‌گذاری‌تان را بشناسید تا بتوانید از سرمایه خود در برابر کسانی که در کمین آن نشسته‌اند، محافظت کنید.

اطلاعات مهم و حیاتی تجارت خود را با هیچ‌کس غیر از خودتان در میان نگذارید.

دهید.

در تجارت و سرمایه‌گذاری شنیده‌ایم که می‌گویند «بازپرداخت با بالاترین سود». اگر لحظه‌ای فکر کنید از خود می‌پرسید که چرا یک شرکت پیدا شده که بخواهد در قبال سرمایه‌اندک شما بالاترین سود را بپردازد. چون آن‌ها می‌دانند که تعداد ماهیانی که به تور آن‌ها می‌افتند زیاد هستند و گرنه آن‌ها اصلاً چنین سرمایه‌ای ندارند که بخواهند بالاترین سود را به شما بپردازند. شما همواره باید اطلاعات فریبنده را شناسایی کنید و از آن‌ها دوری کنید.

■ تفاوت میان حقایق و عقاید را بشناسید

از دیگر نکات مهم در طبقه‌بندی اطلاعات، تفاوت میان حقایق و عقاید است. عقیده آن چیزی است که فکر می‌کنیم واقعیت دارد؛ اما حقیقت آن چیزی است که واقعاً وجود دارد. مثلاً اگر کسی بگوید فلان شخص در تجارت موفق است، این یک عقیده است زیرا تعریف افراد از موفقیت شخصی متفاوت است. یا زمانی که کسی می‌گوید سود سهام شرکت در حال افزایش است، این یک عقیده و نظر است زیرا هیچ تضمینی برای بالا رفتن و یا برعکس پایین آمدن آن وجود ندارد. استفاده از عقاید به جای حقایق موجب انتخاب راه‌حل‌های احمقانه می‌شود. این کار در تجارت سرمایه‌ها را پوچ می‌کند. به‌عنوان مثال، اگر از کسی بپرسند چرا آن

خانه را خریدی در حالی که می‌دانستی نمی‌توانی پولش را بپردازی، پاسخ خواهد داد، چون دلال معامله گفت قیمت خانه افزایش خواهد یافت و من با فروش آن سود خواهم کرد. اما در واقعیت چنین اتفاقی نیفتاد.

بر اساس حقایق یا واقعیات موجود سرمایه‌گذاری کنید نه عقاید که حاصل تصورات است. مشخص است که سرمایه‌گذاری بر اساس عقاید یک فعالیت خطرناک است. هنگام سرمایه‌گذاری باید دقت کنید که می‌خواهید از عقاید استفاده کنید یا حقایق؟ نکته مهم دیگر، نظارت و کنترل بر سرمایه‌تان است. باید محتاط باشید و در سرمایه‌گذاری‌ها کمترین سود را مدنظر قرار دهید که اگر باز هم ضرر کردید اتفاق چندانی برای سرمایه‌تان نیفتاده باشد.

معمولاً افراد تازه‌وارد زودتر از همه برای سرمایه‌گذاری پیش قدم می‌شوند. جمله «شاید شما برنده بعدی ما باشید» به اندازه کافی برای یک فرد تازه وارد تحریک‌کننده است. در حالی که یک سرمایه‌گذار باهوش با توجه به عقاید و حقایق سرمایه‌گذاری می‌کند. حقایق ضمانت سرمایه او و عقاید دلیل سرمایه‌گذاری او هستند.

■ اطلاعات کافی در مورد قوانین سرمایه‌گذاری به دست آورید

نکته دیگر در سرمایه‌گذاری این است که از قوانین مطلع شوید. قوانین اطلاعات خیلی مهمی هستند که اگر نباشند هیچ سرمایه‌ای نخواهد بود. قانون برای همه چیز اعتبار می‌آورد. در واقع همین قوانین هستند که شما را ثروتمند و یا فقیر می‌کنند. قوانین به شما کمک می‌کنند که بدون هیچ مشکلی به هدف خود دست یابید.

■ دو قانون طلایی در مورد اطلاعات را هرگز از یاد نبرید:

(۱) اطلاعات فقط اطلاعات هستند؛ اما استفاده درست از آن‌هاست که آن‌ها را معنی‌دار می‌کند.

(۲) هرچه نقدینگی در یک سرمایه‌گذاری کمتر باشد، اطلاعاتی که به دست می‌آورد باید بیشتر باشد.

با تمام مطالب گفته‌شده، روشن می‌شود که این سرمایه‌ها نیستند که شما را ثروتمند می‌کنند، بلکه اطلاعات است که شرایط شما را تغییر می‌دهد. در خرید و فروش املاک و مستغلات و همه انواع سرمایه، افزایش و کاهش‌های فراوانی وجود دارد و شما فقط در صورتی می‌توانید سود کنید که اطلاعات فراوانی داشته باشید.





برایان تریسی درباره پس انداز و دستیابی به استقلال مالی چه می گوید؟

آیا می دانستید که یکی از مهم ترین فاکتورهای تعیین کننده در مسیر دستیابی به استقلال مالی، پروراندن عادات خاص است؟ خب، این گونه است! در حقیقت، اکثر میلیونرهای خودساخته این عادت ها را در اثر تمرین و تکرار آموخته و با کمک آن ها به استقلال مالی رسیده اند. برایان تریسی نویسنده کتاب های خودیاری و مشاور امور مالی در این زمینه راهنمایی هایی برای دستیابی به استقلال مالی ارائه نموده است.



■ میلیونرهای خودساخته مر فوجو هستند

شاید قابل مشاهده ترین عادت یک میلیونر خودساخته، صرفه جو بودن او باشد. افراد ثروتمند درباره هر ریال و هر دلار پولشان مراقب هستند. آن ها می دانند که چگونه باید پول را پس انداز کرده و بودجه شان را تخصیص بدهند. آن ها هیچ وقت کالای نو نمی خرند، تا وقتی که امکان خرید جنس دست دوم داشته باشند. آن ها اگر امکان اجاره کردن داشته باشند، خرید نمی کنند و اگر بتوانند قرض بگیرند، اجاره نمی کنند!

■ عادات های میلیونرهای خودساخته

عادات خاص مهم هستند زیرا شما می توانید شیوه پس انداز پول را آموخته و مانند یک میلیونر خودساخته فکر کنید؛ تا زمانی که از لحاظ مالی کاملاً مستقل شوید.

بسیاری از مردم خود را آن‌چنان در وام و بدهی غرق می‌کنند، که تصور پس‌انداز ۱۰ درصد از حقوق برای‌شان دور از دسترس می‌شود. در چنین شرایطی توصیه می‌شود که پس‌انداز را از یک درصد آغاز کنید و زندگی‌تان را با ۹۹ درصد باقی‌مانده بگذرانید. وقتی کم‌کم به این شرایط عادت کردید، زمان آن رسیده است که به بانک مراجعه کرده و یک حساب پس‌انداز افتتاح کنید. پول‌هایی که در این حساب قرار می‌گیرند، تنها یک مسیر دارند و آن رفتن به داخل حساب است! زمانی که پول‌تان را در حساب پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری قرار دادید، به هیچ وجه نباید آن را برداشت کرده یا به هر دلیلی خرج کنید. این کار تنها یک دلیل دارد: قادر ساختن شما به دستیابی هر چه زودتر به استقلال مالی.

به محض این‌که توانستید خودتان را به زندگی با ۹۹ درصد حقوق عادت بدهید، درصد پس‌اندازتان را به ۲ درصد افزایش بدهید. اگر این کار را ادامه بدهید، بعد از یک سال خواهید دید که به راحتی قادرید بدون ۱۰ درصد درآمدتان به راحتی زندگی کنید. این کار را آن‌قدر ادامه بدهید تا پس‌اندازتان به ۱۵ و سپس ۲۰ درصد از درآمد برسد. در این صورت اصلاً متوجه تغییری در سبک زندگی‌تان نخواهید شد، چرا که این کار را به آرامی و به صورت تدریجی انجام داده‌اید؛ اما تفاوت در زندگی اقتصادی‌تان مشهود خواهد بود.

اگر شما ۱۰ درصد از حقوق خود را پس‌انداز کرده و با ۹۰ درصد باقی‌مانده زندگی کنید، به مرور خواهید توانست با مقادیر کم‌تر نیز به راحتی زندگی‌تان را بچرخانید.

■ استفاده از قانون جذب برای رسیدن به استقلال مالی

زمانی که پس‌انداز پول را آغاز کردید و نسبت به حساب بانکی در حال رشدتان احساس شادی و نگرش مثبت داشتید، این احساس مثبت، پول‌تان را با انرژی خودش احاطه خواهد کرد تا پول بیش‌تری جذب زندگی یا حساب بانکی شما شود.

در چنین شرایطی:

- یاد بدهی دوست قدیمی‌تان خواهید افتاد که مدت‌ها قبل فراموشش کرده‌اید.
- فرصت‌هایی برای کسب مقدار اضافی پول خواهید داشت، بدون آن‌که انتظارش را داشته باشید.

کالاهایی که مدت‌هاست دارید، اما هیچ ارزشی برای‌تان ندارند را خواهید فروخت. و به محض این‌که این مقدار اضافی پول کسب‌شده را به حساب‌تان افزودید، انرژی مثبت بیش‌تر شده و پول بیش‌تری نیز جذب زندگی‌تان خواهد شد. احساس شادی و نگرش مثبت نسبت به حساب بانکی، پول‌تان را با انرژی خودش احاطه خواهد کرد تا پول بیش‌تری جذب زندگی یا حساب بانکی شما شود.

■ خطرهای از برابان تریسی درباره قانون جذب

«من درباره این موضوع سال‌های دور مطالبی شنیده بودم، اما همیشه بی‌پول بودم و نمی‌توانستم کاری بکنم. سپس، دو سال بعد از آن ازدواج کرده و کسب و کار خودم را راه انداختم؛ این‌گونه شد که پولم ته کشید. من توانسته بودم با پس‌انداز یک عمرم خانه‌ای بخرم، اما حالا مجبور بودم آن را فروخته و به یک خانه اجاره‌ای نقل مکان کنم. پس از این نقل مکان، همسرم از من خواست که ده هزار دلار از پول فروش خانه را به او بدهم. بالاخره پس از مشاجره‌های فراوان، پول را به او دادم. باربارا همه این پول را در یک بانک دیگر سرمایه‌گذاری کرد، تا من به آن دسترسی نداشته باشم. مهم نبود که چه مشکل اقتصادی برای‌مان پیش بیاید، او به هیچ‌وجه حاضر نبود مقداری از آن پول را خرج کند. و این مهم‌ترین اتفاقی بود که برای ما افتاد. از آن روز به بعد، ما دیگر هیچ‌گاه ورشکستگی را تجربه نکردیم. با این‌که شرایط رکود اقتصادی حاکم بود و کسب و کارها به مرز ورشکستگی می‌رسیدند،



■ میلیونرهای خودساخته می‌دانند چگونه

پول‌شان را پس‌انداز کنند

میلیونرهای خودساخته از سنین پایین عادت به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری را در خود می‌پرورانند. به این مسئله فکر کنید: انسان، موجودی عادت‌کننده است! ما به سرعت خودمان را با تقریباً همه شرایط و قواعد محیط پیرامون منطبق می‌کنیم.

اگر شما ۱۰ درصد از حقوق خود را پس‌انداز کرده و با ۹۰ درصد باقی‌مانده زندگی کنید، به زودی سبک زندگی‌تان را تغییر داده و خواهید توانست با مقادیر کم‌تر نیز به راحتی و با آرامش زندگی‌تان را بچرخانید. دیری نخواهد گذشت که به این سطح از زندگی عادت کرده و دیگر به آن فکر نخواهید کرد.

داده و تشویق‌مان می‌کنند که در مصرف پول تو جیبی‌هایمان صرفه‌جویی کنیم. با این حال، ما به‌عنوان یک کودک، پول را به چشم وسیله‌ای جهت خرید شکلات، اسباب‌بازی، و سایر چیزهایی که خوشحال‌مان می‌کنند، می‌بینیم. در نتیجه، ما صرفه‌جویی را نوعی مجازات می‌دانیم؛ کاری که ما را اذیت کرده و از رسیدن به خواسته‌ها و لذت‌ها دورمان می‌کند. در سنین پایین، اکثر مردم پس‌انداز را همراه با سختی، فداکاری، کاهش لذت، رضایت و شادی می‌بینند. و وقتی بزرگسال می‌شوند، این عادت منفی باعث می‌شود که بخواهند همه درآمدشان را به محض به دست آوردن، خرج کنند. اغلب مردم در سنین نوجوانی و اوایل بیست‌سالگی درآمدشان را به چشم یک فرصت مناسب جهت بیرون رفتن و خرید و هزینه کردن کل پول‌شان می‌بینند. به همین خاطر است که معمولاً رستوران‌ها در روزهای آغازین ماه و زمان واریز حقوق‌ها شلوغ‌تر از باقی روزهایند. انسان‌ها در همان سنین پایین یاد می‌گیرند که خرج کردن پول لذت‌بخش است، اما پس‌انداز کاری دردآور است. از آن‌جایی که ذات انسان خواستار حرکت از درد به سوی لذت، از ناراحتی به راحتی و از عدم رضایت به رضایت کامل است، آن‌ها عادت خرج کردن پول را لذت‌بخش و پس‌انداز را ناراحت‌کننده می‌دانند.

اغلب مردم در سنین نوجوانی و اوایل بیست‌سالگی درآمدشان را به چشم یک فرصت مناسب جهت بیرون رفتن و خرید و هزینه کردن کل پول‌شان می‌بینند.

■ **موانع بزرگ بر سر راه دستیابی به استقلال مالی و چگونگی از میان برداشتن آن‌ها**

موانع ذهنی زیادی بر سر راه دستیابی به استقلال مالی وجود دارند. معمول‌ترین دلیل این است که برخی از انسان‌ها باور دارند - به هر دلیلی - لیاقت ثروت‌مند بودن را ندارند. شاید برای شما هم سوال پیش بیاید که چرا چنین چیزی اتفاق

اما پول ما هیچ‌وقت تمام نمی‌شد. هر هفته، هر ماه، کسب و کار ما پیش می‌رفت، قبض‌ها پرداخت می‌شدند، و فرصت‌ها به زندگی ما جذب می‌شدند. پس از چند سال ما موفق شدیم از خانه اجاره‌ای‌مان به خانه جدید خودمان در محله‌ای دوست‌داشتنی نقل مکان کنیم. دو سال بعد، ما توانستیم خانه‌ای پنج برابر گران‌تر از خانه فعلی‌مان بخریم؛ خانه‌ای که زمین گلف داشت و منظره‌ای از دو دریاچه زیبا و اقیانوسی در دوردست پیش روی‌مان بود.»

■ **پول‌تان را پس‌انداز کنید و آن را دوست داشته باشید!**

یک عادت خیلی خاص میان میلیونرهای خودساخته و انسان‌های موفق در زمینه امور مالی وجود دارد که آن‌ها طی سال‌ها آموخته یا پرورشش داده‌اند؛ و آن این است: عادت واکنش نشان دادن به درآمد به طریقه‌ای خاص. زمانی که بزرگ می‌شویم، به ما یاد



می‌افتد. بعضی از افراد، با ریتم ثابتی از انتقادهای مخرب بزرگ می‌شوند و همین مسئله منجر می‌شود که آن‌ها در سطح ناخودآگاه خود به این نتیجه‌گیری برسند که لیاقت موفقیت و شادی را ندارند. البته که این مسئله صحیح نیست. اما همین نگرش منفی می‌تواند فرد را به سوی عادت‌های مالی مخرب سوق بدهد؛ و ترک این عادت‌ها ممکن است بسیار سخت باشد. برخی از انسان‌ها باور دارند - به هر دلیلی - لیاقت ثروت‌مند بودن را ندارند. همین نگرش منفی می‌تواند فرد را به سوی عادت‌های مالی مخرب سوق بدهد.

■ خودتان را سزاوار پولدار شدن بدانید

بعضی اوقات افراد می‌گویند که در رابطه با مسائل پولی خیلی خوب نیستند. اما خوب بودن در برخورد با پول و مسائل مرتبط با آن، یک مهارت است و هر کسی می‌تواند با تمرین آن را بیاموزد. معمولاً گفتن این که «من در رابطه با پول زیاد خوب نیستم» یک بهانه و توجیه است. واقعیت این است که این افراد در زمینه پول چندان موفق و منظم نیستند. این افراد یاد نگرفته‌اند که چگونه از پول استفاده کرده و آن را نگه دارند. اولین گام برای جمع کردن پول این است که به خودتان باور داشته باشید. شما یک ظرفیت نامحدود برای دستیابی به تمام پولی که نیاز خواهید داشت، در اختیار دارید. خودتان را به چشم یک موفقیت در زمینه امور مالی ببینید، که منتظر موقعیت و زمان مناسب برای اتفاق افتادن است. و خودتان را سزاوار و لایق همه آن‌چه می‌توانید به دست بیاورید، بدانید.

■ پول برای زندگی ما ضروری است

پول خوب است! پول به شما حق انتخاب داده، و شما را قادر می‌سازد که هر طور که خودتان دوست دارید زندگی کنید. پول درهای زیادی را به روی شما باز می‌کند، که در غیاب آن برای‌تان بسته بوده‌اند. اما مانند همه چیزهای دیگر، در رابطه با پول نیز وسواس می‌تواند آزاردهنده باشد. اگر فردی شیفته کسب پول و بیش‌تر کردن آن شود، ممکن است فراموش کند که پول صرفاً یک ابزار است. اگر پول تبدیل به چیزی شود که منجر به شادی می‌شود، مضر خواهد بود. پول برای زندگی در جامعه ضروری است. پول هم‌چنین چیزی خنثی است؛ نه خوب است و نه بد. تنها شیوه به دست آوردن و محل استفاده از آن است که مشخص می‌کند پول مفید است یا مضر.

پول خوب است! پول به شما حق انتخاب داده، و شما را قادر می‌سازد که هر طور که خودتان دوست دارید زندگی کنید.

■ عمل کنید

دو کار هست که شما می‌توانید برای به کار گرفتن این راهکارها از آن‌ها استفاده کنید: اول، تشخیص داده و بپذیرید که هر کسی که امروز پول دارد، روزی بی‌پول و ورشکسته بوده و به احتمال زیاد مدت زمان طولانی هم ورشکسته مانده است. آن‌ها سپس مهارت گردآوری پول را آموخته و به استقلال مالی رسیده‌اند. پس هر کاری که آن‌ها انجام داده‌اند، شما هم می‌توانید نسبت به آن اقدام کنید. دوم، از همین امروز تبدیل به یک دانش‌آموز در مدرسه پول شوید. مطالعه کنید، یاد بگیرید و آموخته‌هایتان را در جهت سر و سامان دادن به زندگی مالی خودتان به کار بگیرید؛ تا جایی که بتوانید هر چه بیش‌تر و بیش‌تر پول به سمت خودتان جذب کنید.

احساس گناه می‌کنند. این احساس گناه باعث می‌شود که آن‌ها کارهایی در جهت خلاص شدن از شر پول و دور ریختن آن انجام دهند.

آن‌ها پول‌شان را بدون فکر خرج یا سرمایه‌گذاری می‌کنند. آن‌ها پول‌شان را قرض می‌دهند، از دست می‌دهند یا می‌بخشند. آن‌ها پول‌شان را صرف خودتخریبی می‌کنند. این خودتخریبی می‌تواند پُر خوری، مصرف مواد مخدر، خیانت به تعهدات زناشویی و تغییرات شخصیتی غم‌انگیز باشد.

برای گرفتن نتیجه متفاوت با پول، باید ابتدا نگرش‌تان را نسبت به آن تغییر دهید. شما باید دیدن پول به‌عنوان یک چیز مثبت را به عادت خود بدل کنید. پول به سوی کسانی حرکت می‌کند که به آن احترام بگذارند، ارزش‌شان را بدانند، و قادر باشند که با کمک آن کارهای ارزشمندی انجام بدهند. پول از دست کسانی که آن را نمی‌فهمند و کارهای مناسبی برای نگهداری‌اش نمی‌کنند، مانند آب لیز خورده و فرار می‌کند.

شما باید دیدن پول به‌عنوان یک چیز مثبت را به عادت خود بدل کنید. پول به سوی کسانی حرکت می‌کند که به آن احترام بگذارند و ارزش‌شان را بدانند.



خرابکاری هنری دونا که باعث شهرت جهانی شهرش شد

دونا به یکی از آثار هنری شهرش آسیب زد و از این طریق باعث شهرت جهانی خود و شهرش شد! پیشرفتی که خود اثر هنری قادر به ایجادش نبود. دونا در زبان اسپانیایی به زنان مسن و پا به سن گذاشته اطلاق می‌شود. دونا ای استان ما، پیرزنی به نام سیسیلیا هیمنز است که در زمان خرابکاری‌اش یعنی در سال ۲۰۱۲ حدود ۸۱ سال سن داشت. او حالا ۹۱ ساله است و در خانه سالمندان بورخای-اسپانیا نگهداری می‌شود. حالش خوب نیست؛ اما جالب است که هنوز هم خرابکاری‌اش را خوب به یاد دارد. سیسیلیا، پیرزن شروری نیست، او نیتی خیرخواهانه داشت و می‌خواست با کار خود، اقدامی مثبت در زمینه فرهنگی انجام دهد، اما نتیجه کار افتضاح بود. اما شهرش شهرت جهانی پیدا کرد و به لحاظ اقتصادی و گردشگری پیشرفت قابل توجهی پیدا کرد.

ماجرای خرابکاری چه بود؟

ماجرای خرابکاری دونا، به ترمیم یک نقاشی بر روی دیوار کلیسای بورخای در اسپانیا بازمی‌گردد. این نقاشی که «اینک انسان» نام دارد، اثری از الیاس گارسیا مارتینز است. «اینک انسان»، ظاهراً در سال ۱۹۳۰ کشیده شده است و تصویر عیسی مسیح را قبل از به صلیب کشیدن با موهایی سیخ شده، نمایش می‌دهد. البته نقاشی، تقریباً پرتوهای از چهره مسیح است و نیمه‌ای از بدن نیز با لباسی اناری رنگ به تصویر درآمده است. اثر هنری مارتینز، به لحاظ تاریخی قدمت زیادی ندارد، حتی از لحاظ هنری نیز اثر فاختری نیست، هر چند برخی معتقدند که



آوردند و سوغاتی‌های «Ecce Homo» را از قلم (۲ دلار) تا لیوان (۷ دلار) و... را خریداری کردند. این بازدیدها هنوز هم ادامه دارد. علاوه بر این، بازدیدکنندگان برای بازدید از کلیسا و ورود به آن، باید یک یورو به ازای هر نفر پرداخت کنند. مبلغی که بسیار قابل توجه است و بخشی از عواید آن به خانه سالمندان وابسته به کلیسا می‌رسد. همچنین ۵۱ درصد از درآمد حاصل از فروش سوغات به خانه سالمندان اختصاص می‌یابد و ۴۹ درصد به هیمنز اختصاص می‌یابد. او از این پول برای مراقبت از پسر ۵۶ ساله خود، خوزه آنتونیو، که فلج مغزی دارد، استفاده می‌کند. به این ترتیب، کنجکاو جهانی از خرابکاری سیسیلیا به رونق گردشگری منجر شد که طی آن به رستوران‌ها و موزه‌های بورخا با جمعیت ۵۰۰۰ نفری اجازه داد در طول رکود فلج‌کننده اسپانیا ثابت بمانند.

النا از نار مارتینز که بخش بازاریابی "Ecce Homo" را مدیریت می‌کند، در این رابطه گفته است: قبلا هرگز چنین چیزی اتفاق نیفتاده بود.

■ احساس پیرزن پس از خرابکاری هنری‌اش چه بود؟

سیسیلیا هیمنز نیز که در ابتدای خرابکاری احساس حقارت می‌کرد و با تهدید شکایت و اقدام قانونی بازماندگان مواجه بود، بعدها به The Post گفت: «بازدیدکنندگان مرا می‌شناسند. آن‌ها با نقاشی‌ها و با من عکس می‌گیرند... حتی اگر به آنها بگویم، فرزندان من، من شخص مهمی نیستم، باز هم دوست دارند با من عکس بگیرند.»

هیمنز گفت: «وقتی خبر از «Ecce Homo» منتشر شد، احساس حقارت کردم. او ادعا می‌کند که تنها بخشی از بازسازی را قبل از رفتن به تعطیلات آغاز کرده بود و قصد داشت پس از بازگشت آن را به پایان برساند، اما بعد از آنکه مقامات محلی متوجه این قضیه شدند، مجبور شد آن را متوقف کند. در مقطعی، وارثان وحشت‌زده گارسیا مارتینز تهدید کرده بودند که از هیمنز به دلیل تخریب نقاشی شکایت خواهند کرد، اما این اتفاق هرگز رخ نداد. حالا تمام توجه‌ها حتی دیدگاه هیمنز را تغییر داده است. او می‌گوید: «من در ابتدا چند بار نزد روان‌پزشک رفتم و مجبور به مصرف دارو شدم تا شاید کمی بهتر شوم؛ ولی حالا که به نقاشی نگاه می‌کنم، خطاب به آن می‌گویم اشکالی ندارد، توانقدرها هم زشت نیستی.»



نقاشی «اینک انسان» از برخی جهات ارزش زیادی دارد. مثلا اینکه، نقاشی تنها بیست اینچ ارتفاع و شانزده اینچ عرض دارد و در اصل توسط مارتینز به سبکی کاملاً شبیه به آثار گیدو رنی، هنرمند ایتالیایی (۱۵۷۵-۱۶۴۲) نقاشی شده است. اما نظر مردم بورخای این‌گونه نبود. آن‌ها، نقاشی را «اثری با اهمیت هنری اندک» می‌دانستند، زیرا مارتینز هنرمند بزرگی نبود؛ اما نقاشی دیواری دارای ارزشی احساسی در بین مردم محلی بود.

چه نقاشی را دارای ویژگی‌های منحصر بدانیم چه آن را اثری معمولی بنامیم، در هر دو صورت اقدام سیسیلیا هیمنز از نظر قانونی، درست نبود و باعث تغییرات اساسی در این اثر هنری شد. اما خرابکاری سیسیلیا دقیقا چه بود؟ او با نقاشی چه کرد؟

سیسیلیا هیمنز وقتی برای عبادت به کلیسا می‌رفت متوجه پاک شدن قسمتی از صورت نقاشی می‌شود. از این رو تصمیم می‌گیرد تا به بازسازی این اثر هنری پردازد. سیسیلیا این کار را به تنهایی آغاز کرد. البته وقتی بعدها از او سوال شد که آیا به تنهایی این کار را انجام داده است یا خیر، در پاسخ گفت: خیر، مردمی که برای عبادت به کلیسا می‌رفتند، مرا می‌دیدند که در حال نقاشی کردن هستم. اما به گفته نیویورک تایمز، مقامات محلی گفتند که سیسیلیا این کار را به تنهایی انجام داده است.

سیسیلیا، هیچ مهارتی در حرفه نقاشی نداشت. او برای ترمیم «اینک انسان»، از رنگ‌های بی‌کیفیت استفاده کرده بود. از این رو نتیجه کار بسیار وحشتناک شد. تا جایی که چهره نقاشی مسیح به چهره یک میمون شباهت یافت و حتی بعد از انتشار خبر خرابکاری، بسیاری از مردم با تمسخر، نام نقاشی را به «اینک میمون» تغییر دادند! شاهکار سیسیلیا زمانی کشف شد که گروهی از کارشناسان میراث فرهنگی از کلیسا بازدید کردند و متوجه تکنیک‌های آماتوری رنگ‌آمیزی شدند. بعد از این کشف، تلاش‌ها برای بازسازی نقاشی آغاز شد، اما مشکل فراتر از تصورات بود.

ترزا گارسیا، نوه الیاس گارسیا مارتینز بعد از این خرابکاری به یکی از خبرنگاران گفت: سیسیلیا ابتدا قسمت بدن نقاشی را دستکاری کرده بود، اما مشکل از زمانی شروع شد که روی سر را هم نقاشی کرد. او با این کار نقاشی را از بین برده است. با این حال، مقامات این منطقه، در نزدیکی ساراگوزا-اسپانیا، با مرمتگران حرفه‌ای هنر تماس گرفتند تا نقاشی را بررسی کنند و نحوه تعمیر آن را پیشنهاد کنند؛ اما این کار به نتیجه‌ای نرسید.

■ چرا خرابکاری سیسیلیا مشهور شد

گرچه نقاشی «اینک انسان» اثر هنری معمولی بود؛ اما انتشار این خبر و بالا رفتن بازدید آن از طریق شبکه‌های اجتماعی، باعث شهرت او و شهرش شد. مطبوعات تلاش‌های سیسیلیا را بدترین مرمت در تاریخ و یک کار ناموفق نامیدند. با اینحال کار دست هیمنز به سرعت به یک پدیده اینترنتی تبدیل شد. در عرض چند ساعت، شبکه‌های اجتماعی مانند Reddit، ۴chan، Facebook، Twitter، با میلیون‌ها مخاطب، این افتضاح هنری را به سوژه تمسخر و خنده تبدیل کردند. اما همه چیز به تمسخر و خندیدن ختم نشد، بلکه این خرابکاری خنده‌دار باعث شد تا شهر بورخای به یک شهر توریستی تبدیل شود.

■ چطور سیسیلیا باعث توسعه گردشگری شهرش شد؟!

مطابق با آماري که مقامات محلی ارائه دادند، بعد از خرابکاری سیسیلیا هیمنز و انتشار خبر آن، تا سال ۲۰۱۶، بیش از ۱۶۰۰۰۰ بازدیدکننده به کلیسای Sanctuary of Mercy هجوم



آموزه‌هایی که استیون هاوکینگ به بشریت آموخت

۱. هوش با آی کیو متفاوت است

هاوکینگ در یکی از سمینارهایش در دانشگاه آکسفورد گفت: «هوش شما آن دانشی نیست که با آن زاده می‌شوید، بلکه هوش‌تان به این بستگی دارد که چقدر مایلید سخت کار کنید تا اهداف‌تان را محقق کنید.» او همچنین اضافه کرد: «هوش شما توانایی وفق پذیرفتن شما با تغییرات اطراف‌تان است.»

۲. بدانید که دانش شما از جهان‌تان بسیار ناچیز است

شاخه‌های بسیاری از دانش وجود دارد که هرچه بیشتر در آن عمیق می‌شوید، بیش‌تر به این نتیجه می‌رسید که چقدر دانش‌تان ناچیز است. هاوکینگ می‌گوید: «بزرگ‌ترین دشمن دانش، بی‌توجهی نیست؛ بلکه توهم زیاد دانستن است.»

۳. همیشه راهی برای بیرون آمدن از مخمصه وجود دارد

هاوکینگ در دانشگاه استوک‌هلم یادآور شد که همیشه راهی برای بیرون آمدن از مشکلات وجود دارد. ممکن است فکر کنید در مخمصه گرفتار شده‌اید، ولی باید به یاد داشته باشید که همیشه راهی برای نجات وجود دارد؛ فقط کافی است که ناامید نشوید.

۴. اشتباهات شما مهم‌اند

هاوکینگ هیچ‌گاه باور نداشت که مخلوقی بی‌نقص است. او همیشه به قدرت اشتباه، ایمان داشت و در این باره می‌گفت: «دفعه بعدی که کسی به شما گفت اشتباه کرده‌اید، به او بگویید که این یک نشانه‌ی مثبت است؛ زیرا اگر اشتباهات ما نبودند، هیچ‌کدام‌مان چیزی نمی‌آموختیم.»

استیون هاوکینگ، که یکی از دانشمندان برجسته قرن ۲۱ به شمار می‌رود، توانست آموزه‌های بسیاری را در اختیار بشر امروز قرار بدهد. علی‌رغم دانش زیادش، او هیچ‌گاه موفق به دریافت جایزه نوبل از سوی آکادمی سلطنتی علوم سوئد نشد؛ ولی با نوشتن کتاب «تاریخچه زمان» توانست شهرت و ثروت بی‌سابقه‌ای را از آن خود کند. یکی از ویژگی‌های مهمی که باعث شهرت هاوکینگ شد، شوخ طبع بودن او، علی‌رغم بیماری سخت‌اش بود. این ویژگی او انگیزه بخش بسیاری از بیماران تمام جهان در راه رسیدن به قله‌های موفقیت شد. دکتر هاوکینگ بیش از این که به ما در مورد جهان پیرامون‌مان علم بیاموزد، کمک کرد تا خود را بهتر بشناسیم:



۵. ادعای باهوش بودن کار افراد بازنده است

در مصاحبه‌ای که هاو کینگ با پیرس مورگان، خبرنگار CNN داشت از او پرسیده شد: «عده‌ای می‌گویند شما باهوش‌ترین انسان جهان هستید. آیا این گفته درست است؟ و اگر فکر می‌کنید که این گفته درست نیست، به نظرتان چه کسی جز شما لایق این عنوان است؟»

هاو کینگ در پاسخ به این سوال گفت: «من این گفته را به هیچ عنوان تایید نمی‌کنم؛ به عقیده من افرادی که ادعای دانش می‌کنند، همگی بازنده‌اند.»

۶. کنجکاو باشید

هاو کینگ که خود سمبل کنجکاو و اعتماد به نفس به‌شمار می‌رود، در سمیناری که در خانه اپرای سیدنی انجام داد، گفت: «مدام سعی کنید از جهان و اتفاقات اطراف‌تان باخبر شوید. همیشه کنجکاو باشید و بدانید که در نهایت موفق خواهید شد.»

۷. هیچ‌گاه تصور نکنید که اتفاقات جهان

همگی از پیش تعیین شده هستند

هاو کینگ در سن ۲۱ سالگی متوجه شد به بیماری صعب‌العلاجی مبتلاست. او در این‌باره می‌گوید: «وقتی به سن ۲۱ سالگی رسیدم، همه تصوراتم ناگهان فرو ریخت. بنابراین فکر نکنید که همه چیز قرار است مانند گذشته بماند.»

۸. پیگیر اهداف‌تان باشید

دست‌آوردهای استیون هاو کینگ فرای تصور و کاملاً خارق‌العاده محسوب می‌شوند. مقاومت او در برابر قبول شکست، علی‌رغم شرایط خاصش، نمونه‌ای بارز از ثابت‌قدم بودن در راه رسیدن به هدف به‌شمار می‌رود. او در این‌باره می‌گوید: «مهم نیست که زندگی به شما روی خوش نشان نمی‌دهد، تمام تلاش‌تان را بکنید تا نگذارید هیچ چیز شما را از رسیدن به هدف‌تان باز دارد.»

۹. هیچ‌گاه خود را دست کم نگیرید

هاو کینگ طی مصاحبه‌ای به نیویورک تایمز گفت: «همیشه تلاش کرده‌ام سرشار از زندگی باشم. با این‌که بیماری‌ام مرا در شرایط خاصی قرار داده، از آتلانتیک تا نقطه‌ای که دیگر جاذبه زمین در آن وجود ندارد، سفر کرده‌ام.»

۱۰. شکرگزار باشید

هاو کینگ می‌گوید مسئولیت جهان ما بر عهده خودمان است. او عقیده دارد بشر باید شکرگزار زندگی‌اش باشد و قدر فرصتی را که دارد، بداند و درباره جهان خود تحقیق کند.

چند جمله ارزشمند از استیون هاو کینگ

آقای هاو کینگ همچنین چند جمله معروف درباره شادی و موفقیت و همچنین احترام به حقوق بانوان دارد:

«تا وقتی زندگی هست، امیدهم هست.»

بیماری هاو کینگ در سن ۲۱ سالگی، زمانی که در حال شروع دوره دکتری‌اش بود، تشخیص داده شد. هاو کینگ بعدها در سن ۷۰ سالگی در رابطه با آن دوره از زندگی‌اش این چنین گفت: «زمانی که خبر را شنیدم، افسرده شدم. به نظر می‌آمد بیماری‌ام به سرعت در حال پیشرفت است. من هیچ انگیزه‌ای برای تمام کردن دوره دکتری‌ام نداشتم؛ چرا که نمی‌دانستم آیا می‌توانم قبل از مرگم آن را تمام کنم یا نه.»

هاو کینگ بعد از نامزد کردن با عشق دوران جوانی‌اش، دوباره روحیه از دست رفته‌اش را بازیافته و انگیزه‌ای تازه برای اتمام دوره دکتری‌اش پیدا می‌کند؛ و بعد از آن نیز شروع به کار می‌کند.

او زمانی علاقه‌اش را به زندگی نشان داد که به سوال شخصی در مورد یک بیمار آسیب‌دیده قطع نخاعی این‌گونه پاسخ داد: «باید به آن شخص حق زندگی داده شود. مهم نیست که چقدر زندگی ناامیدکننده به نظر می‌رسد، همیشه کاری وجود دارد که بتوانید در آن موفق باشید و پیشرفت کنید.» بعد از آن، استیون هاو کینگ این جمله را (که بعدها بسیار معروف شد) بیان کرد: «تا وقتی زندگی هست، امید هم هست.»

«فراموش نکن که به ستاره‌ها نگاه کنی.»

هاو کینگ در پیام تولد ۷۰ سالگی‌اش گفت: «به جای این‌که سرت را پایین بگیری و به پاهایت نگاه کنی، تمام مسیر چشم به ستاره‌ها بدوز و تلاش کن معنی هر چیز را که به آن می‌نگری، دریایی و به آفرینش فکر کنی.»

او همچنین در طول زندگی‌اش تلاش کرد که اجازه ندهد بیماری‌اش باعث عقب ماندن او شود. هاو کینگ در این‌باره به روزنامه نیویورک تایمز گفت: «راجع به بیماری‌ام چیز مثبتی برای تعریف کردن ندارم؛ ولی یاد گرفته‌ام تا با توانایی‌هایی که برایم مانده، کنار بیایم و بیشترین استفاده را از آن‌ها بکنم. در حال حاضر من حتی نسبت به زمانی که بیماری‌ام عود نکرده بود، شادترم؛ و خوشحالم در رشته‌ای مشغول به فعالیت هستم، که معلولیت در آن تأثیر بسزایی ندارد.»

او به دیگران توصیه می‌کند که اگر بیماری جدی‌ای دارید، تمام تلاش‌تان را به کار بگیرید تا اجازه ندهید آن بیماری روی روح‌تان تأثیر منفی بگذارد.»

«به حقوق بانوان احترام بگذارید.»

هاو کینگ در این‌باره به روزنامه صبح بخیر بریتانیا می‌گوید که همیشه به حقوق بانوان احترام گذاشته و خوشحال است که می‌بیند بانوان روز به روز موفقیت‌های بیش‌تری به دست می‌آورند و در حال رسیدن به سطوح بالا در جامعه و سیاست هستند.

«خوشحالم اگر توانسته باشم به جامعه بشری دست‌آورد کوچکی عطا کنم.»

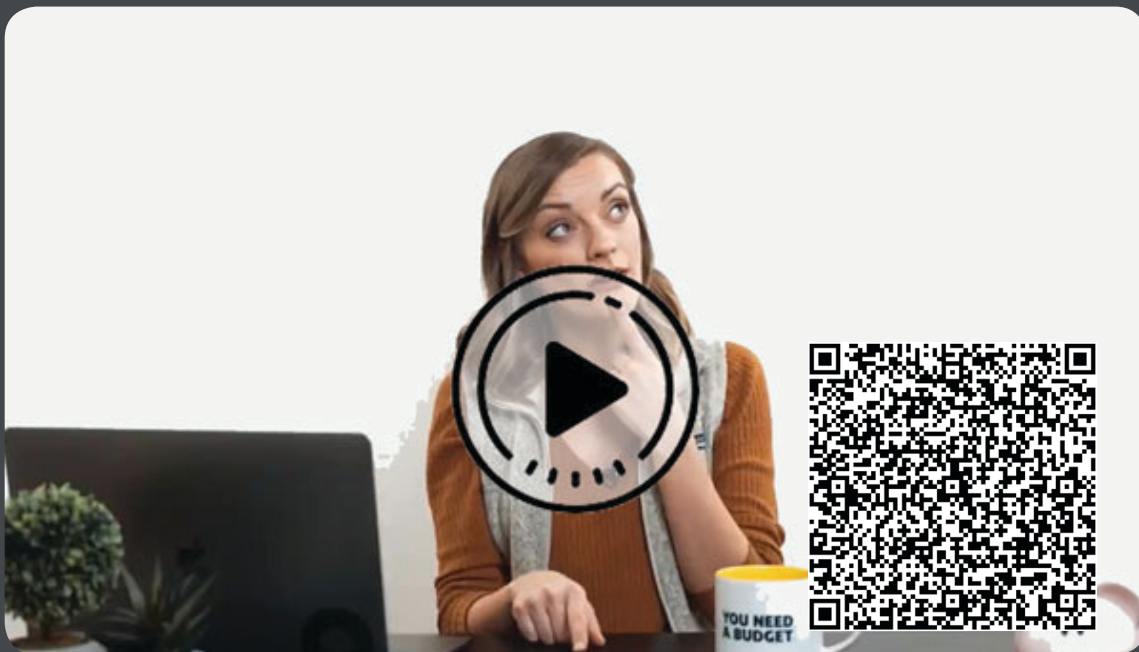
هاو کینگ به روزنامه گاردین می‌گوید: «تصور ما از جهان پیرامون‌مان در طول چهل سال اخیر تغییرات بسیاری کرده و خوشحالم اگر توانسته باشم کمک کوچکی به این تغییر بکنم.» او همچنین اضافه می‌کند: «این‌که ما انسان‌ها به‌عنوان بخشی از طبیعت، توانسته‌ایم تا این حد به فهمیدن قانون حاکم بر جهان‌مان نزدیک شویم، یک پیروزی بسیار بزرگ محسوب می‌شود.»



مدیریت پول را بلد نیستید؟ این چهار قانون ساده را به‌کار ببرید

اینکه دربارهٔ مدیریت پول آموزش ببینیم و به آزمون و خطاهای خودمان و دیگران اکتفا نکنیم. در این ویدیو، ۴ قانون ساده و کاربردی را دربارهٔ مدیریت پول یاد می‌گیریم که ما را چند قدم از جایی که هستیم، جلو خواهند برد. کد QR موجود در صفحه را با گوشی‌تان اسکن کنید و در سایت علف خرس، این ویدیو را تماشا کنید.

مدیریت پول مجموعه مهارتهایی است که همه انسان‌ها برای زندگی روزمره و عادی‌شان به آن نیاز دارند؛ مهارت‌های خرج‌کردن، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری. با این حال، چنین مهارت‌های مهمی در هیچ مرحله‌ای از آموزش‌های عمومی جا ندارند. مدیریت پول را معمولاً از پدر و مادرهایمان یاد می‌گیریم یا اینکه خودمان با تجربه به‌دست می‌آوریم؛ اما راه‌حل بهتری هم هست؛





نسبت به هزینه های کوچک هوشیار باش، یک
نشستی کوچک می تواند منجر به غرق شدن یک کشتی
بزرگ شود.



a l a f k h e r s




ALAFKHERS
www.alafkhers.com

موسسه فرهنگی دیجیتال
راهنمای اندیشه هدفمند (راه)
شماره ثبت ۳۹۲۶۵

پول روی درخت دانش می‌روید